

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

سیر تاریخی



مؤلف:

محمد قائدامینی

دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه امام صادق (ع)

تهیه و تنظیم:

اندیشکده حکمرانی پولی دانشگاه امام صادق (ع)

شهریور ماه ۱۴۰۲



پژوهشگاه دانش‌های بنیادین

سیر تاریخی الگوهای مختلف نظام بانکداری ذخیره کامل

مؤلف: محمد قائدامینی

ناشر: پژوهشگاه دانشگاه امام صادق علیه السلام

مدیریت علمی: اندیشکده حکمرانی پولی

شماره مسلسل: ۳-۳-۱۴۰۲

تاریخ انتشار: شهریور ۱۴۰۲

ویرایش اول

تعداد صفحات: ۴۶

تهران، بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، دانشگاه امام صادق علیه السلام،

پژوهشگاه، اندیشکده حکمرانی پولی

درگاه های ارتباطی: ble.ir/moneygovernance

سایت: B2n.ir/j10380

تمامی حقوق برای اندیشکده حکمرانی پولی محفوظ است و استفاده از مطالب این گزارش با ذکر منبع مجاز است.

مقدمه

اگر دانش اقتصاد را به مثابه دانش حکمرانی جامعه و دانش اتخاذ تصمیمات و ایجاد سازوکارهایی برای بهره‌مندی عادلانه از مواهب و خیرات در اجتماع تعریف کنیم آن‌گاه مهمترین مسائل و نابسامانی‌های موجود در سبک حکمرانی و حیات اقتصادی جامعه، بهره‌مندی غیرعادلانه از این مواهب و خیرات خواهد بود. این مواهب و خیرات عبارتند از:

- (۱) انواع کالاها و خدمات (خصوصی و عمومی)
- (۲) انفال (ثروت‌هایی که بشر در تولید آن نقشی ندارد)
- (۳) پول (نماینده قدرت خرید مبتنی بر کار و میثاق حکومت با مردم)
- (۴) علم و فرهنگ (بویژه آموزش و پرورش عمومی)
- (۵) قدرت (دسترسی به مناصب و موقعیت‌های حاکمیتی)
- (۶) ...

متناسب با هر مقوله با مسأله تولید، استخراج، بهره‌برداری، خلق، توزیع و بهره‌مندی و در یک کلام ساز و کار مبادله بسته‌های حقوق مالکیت بین افراد جامعه مواجه هستیم. وجه تمایز مکاتب (اعم از الهی و بشری)، سازوکارهای متفاوت در مبادله بسته‌های حقوق مالکیت (به تبع تعریف و تحدید مالکیت) این مواهب و یا جابجایی مناصب می‌باشد. برنامه‌ریزی متمرکز یا بازار، سازوکارهایی هستند که بسته‌های حقوق مالکیت هر یک از این مواهب در چارچوب آن‌ها تعریف و مبادله می‌گردد.

«ارائه سازوکارهای بهره‌مندی عادلانه جامعه از خدمات پول»؛ این ساز و کارها

شامل سه بخش هستند:

- تعریف حقوق



- چگونگی اجرا و تحقق
- انواع ضمانت‌های جهت اجرا و مقابله با نقض حقوق تعریف شده

تعریف و تحدید نهاد مالکیت پول = تعریف و تحدید بسته‌های حقوقی:

حق بهره‌مندی	حق مدیریت	حق خلق (دسترسی)
--------------	-----------	-----------------

تبعیض در بهره‌مندی از مواهب، همواره یکی از اساسی‌ترین و چالشی‌ترین مسائل جامعه‌ی ما بوده است. در این میان، نظام پولی نقشی برجسته‌تر در این برخورداری‌ها و عدم برخورداری‌ها ایفا کرده است که ریشه‌ی این مسأله را می‌توان در ماهیت پول مدرن جستجو کرد. محوریت یافتن بانک‌های تجاری در خلق پول، موضوعی بدیع و دارای آثار و پیامدهای درخور توجه بر شکل‌دهی به وضع امور اقتصادی است. از آنجاکه اقتصاد اسلامی مدعی استقرار وضع اموری متناسب با اهداف و غایات دینی در حوزه اقتصاد است، بررسی ترتیبات پولی موجود از حیث سازگاری با اهم این اهداف یعنی «عدالت»، پیش‌نیاز حرکت به‌سوی ارائه‌ی یک چارچوب بدیل است.

کارکرد مطلوب نهادهای پولی تأثیری به‌سزا در بهینگی عملکرد نظام اقتصادی داشته و جهت‌گیری‌های مندرج در آن شکل و شیوهای خاص به وضع امور اقتصادی و روابط انسانی می‌دهد. نظام پولی همواره در بطن خود نظامی از روابط قدرت و توزیع عواید را در بر دارد، به این علت ساده که قدرت ایجاد پول و تخصیص آن در اختیار فرد (افراد) یا گروه (های) خاصی قرار دارد. در اینجا بررسی این موضوعات اهمیت می‌یابد که خالق پول کیست و از این قدرت در راستای چه هدفی بهره می‌گیرد. این‌که خلق پول توسط سیستم بانکی چگونه انجام شده و چه آثار و پیامدهایی بر آن مترتب است، یک بررسی تحقیقی از وضع موجود است، به این معنی که درصدد است رویه‌ی جاری را آن‌چنان‌که



هست بشناسد. پس از حصول شناخت کافی از نحوه‌ی خلق پول، پایگاه‌ها و منظرهای^۱ ارزشی قادر خواهند بود بر اساس ارزش‌ها و غایبات مطلوب خود به ارزش داوری در خصوص آن بپردازند. چنانچه اقتصاد اسلامی را به معنای وضعی از امور اقتصادی متناسب با اهداف و استانداردهای دین اسلام در حوزه‌ی اقتصاد تعریف کنیم، آنگاه این سؤال حائز اهمیت می‌شود که خلق پول توسط سیستم بانکی از حیث قواعد ممکن کننده، آثار و پیامدهای توزیعی و نقش آن در شکل‌دهی به نظامی از قدرت اقتصادی و توزیع منافع، چه نسبتی با اهداف و استانداردهای اقتصادی دین دارد.

پول بودن بدهی بانک‌ها و امکان خلق پول از سوی آن‌ها در نظام بانکداری مبتنی بر ذخیره جزئی یک حق ویژه و یا یک امتیاز مخصوص برای بانک‌ها به شمار می‌آید که دلالت‌های توزیعی درخور توجهی در جامعه دارد. مسأله اصلی در حوزه حکمرانی پولی این است که چرا بانک‌ها باید از این حق ویژه و امتیاز مخصوص بهره‌مند باشند و یا با چه عنوان و به چه دلیلی از حق خلق پول در جامعه برخوردار شده‌اند؟

حق خلق پول از سوی بانک‌ها، امری ناگزیر و محتوم نبوده است. چنانچه به عملیات بانکی و خدماتی که بانک ارائه می‌کند نیز رجوع کنیم، خواهیم دید که هیچ‌یک از آن‌ها متوقف بر امکان خلق پول بانک‌ها نیست. بانک دارای دو کارکرد هم‌زمان است. نخستین کارکرد آن، واسطه‌گری مالی است. در واسطه‌گری مالی بانک‌ها منابع سپرده‌گذاران خرد را تجمیع می‌کنند و آن را به متقاضیان وجوه انتقال می‌دهند. این کارکرد بانک به هیچ وجه وابسته به قدرت خلق پول بانک‌ها نیست و در حال حاضر بسیاری از مؤسسات مالی، واسطه‌گری مالی را بدون امکان خلق پول انجام می‌دهند. کارکرد دیگر بانک مربوط به خدمات نظام پرداخت است که فعالان اقتصادی از طریق آن اقدام به نقل و انتقال وجوه می‌کنند. بر این اساس فعالیت و کارکرد بانک‌ها به گونه‌ای نیست که وابسته به امکان خلق پول باشد تا بر اساس آن بتوان توجیه کرد که این حق باید به آن‌ها اختصاص یابد.



نظام بانکداری به عنوان رویه بیرونی نظام پولی مدرن نیز در طی سده های اخیر از جهت نظری و عملی تطورات بسیاری داشته و مراحل متعددی را پشت سر گذاشته است که در نهایت در قالب نظام بانکداری ذخیره جزئی به بلوغ خود رسیده است. «خلق پول» عنصر و مقوم اصلی نظام بانکداری ذخیره جزئی است و مولفه قدرتی است که در اختیار بانکداری ذخیره جزئی در جهت هدایت اقتصاد قرار گرفته است. از نگاه مکاتب و اقتصاددانان منتقد از نحله های مختلف، مباحث متعددی در نقد بانکداری متعارف طرح گردیده است. بانکداری ذخیره کامل که خلق پول خصوصی را ممنوع می کند از قرن نوزدهم تا به حال تحقق عملی نیافته است. از آن پس، سپرده های بانکی ابزار غالب پرداخت شده و موقعیت خود را تا به امروز حفظ کرده اند. آورده و افزوده اصلی این مقاله ارائه تصویری کامل در مورد پیشنهادات تاریخی و معاصر برای بانکداری مبتنی بر ذخایر کامل است. این طرح های پیشنهادی برای بانکداری مبتنی بر ذخیره کامل به طور خاص بعد از بحران های مالی شدید، مورد توجه واقع شده اند.

۱. بانکداری ذخیره کامل

در بانکداری مبتنی بر ذخیره کامل (بانکداری ذخیره کامل)، خلق پول خصوصی ممنوع شده است. امروز این سخن بدین معناست که بانک ها نمی توانند در فرآیند وام دهی، پول جدیدی به شکل سپرده بانکی خلق کنند. به عبارت دیگر پشتوانه هر سپرده ای، پول دولتی^۱ (پول نقد، ذخایر بانک مرکزی و اوراق بهادار دولتی) یا کالا (مثلاً طلا) است. هدف بانکداری ذخیره کامل جدا نمودن نظام پرداخت از نظام تأمین مالی، و همچنین جداسازی سیاست پولی از سیاست اعتباری^۲ است.

بانکداری با ذخیره کامل به عنوان راه حلی برای ثبات مالی، به دفعات در گذشته پیشنهاد و حتی اجرا شده است. بنابراین ایده اصلاح پولی^۳ باید به عنوان یک جریان

1. government money
2. credit policy
3. Monetary Reform



تاریخی بررسی شود. در بریتانیا قانون امتیاز بانکی^۱ سال ۱۸۴۴، خلق پول خصوصی از طریق بانکداری با ذخایر جزئی^۲ را ممنوع کرد. این اقدام با الزام به اینکه اسکناس بانکها (که ابزار غالب پرداخت در آن زمان بود) باید به طور کامل پشتوانه پول دولتی داشته باشد، انجام شد. قانون‌های ملی^۳ سال ۱۸۶۳ و ۱۸۶۴ هدف مشابهی را در ایالات متحده محقق نمود.

با این حال، ممنوعیت‌های فوق شامل سپرده‌های بانکی، که تدریجاً بخش اصلی ابزارهای پرداخت را تشکیل داد، نمی‌شد. در سال ۱۹۳۰ برنامه شیکاگو تقریباً^۴ ایالات متحده پذیرفته شد، اما ایده بانکداری ذخیره کامل در قانون‌های بانکداری^۵ ۱۹۳۳ (که با نام قانون گلس استیگال^۶ شناخته می‌شود) و ۱۹۳۵ کمرنگ شد. این قوانین بانکداری، به جای جلوگیری از خلق پول خصوصی در شکل سپرده‌های بانکی، بانکداری تجاری و سرمایه‌گذاری را از هم جدا نمودند، بیمه سپرده را فراهم کردند و کنترل دولت بر روی سیاست پولی و عرضه پول را بهبود بخشیدند. در حال حاضر کشوری وجود ندارد که بخش عمده پول آن، در نتیجه فرآیند وام‌دهی بانکها به وجود نیامده باشد.

حال در دوره پس از بحران مالی جهانی^۶ جلوگیری از خلق پول خصوصی به منظور اطمینان از ثبات مالی، بار دیگر تبدیل به یک مسئله مهم شده است. برای مثال مارتین وولف^۷ (۲۰۱۴. الف؛ ۲۰۱۴. ب) تحلیلگر ارشد اقتصادی فاینانشیال تایمز^۸ علناً از بانکداری ذخیره کامل حمایت کرده است. در سال ۲۰۱۵ حزب سبز بریتانیا بانکداری ذخیره کامل را در دستورکار سیاسی خود قرار داد؛ نخست وزیر ایسلند

1. bank charter act
2. fractional reserve banking
3. The National Acts
4. Banking Acts
5. Glass-steagall act
6. Global financial crisis
7. Martin wolf
8. Financial times



گزارش تهیه شده توسط سیگر جانسون^۱ (۲۰۱۵) در موضوع بانکداری ذخیره کامل را در دستور کار کمیسیون قرار داد؛ و لوایح قانونی برای به اجرا در آوردن بانکداری ذخیره کامل در آمریکا و انگلیس مطرح شده است.

هدف این مقاله به تصویر کشیدن تاریخ طرح‌های بانکداری ذخیره کامل از قرن نوزدهم تا به امروز است. من بر روی طرح‌های پیشنهادی که در ایالات متحده و بریتانیا مطرح شده است تمرکز خواهم کرد، اگرچه دیگر کشورها به طور کامل از دایره بررسی خارج نشده‌اند. این بدان دلیل است که ایالات متحده و بریتانیا قلب سرمایه‌داری (مالی) جهانی هستند و از جنگ جهانی دوم تاکنون، به واسطه نهادهای بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول^۲ و بانک تسویه بین‌المللی^۳، تأثیری کلیدی بر وضع استانداردهای مالی جهانی، داشته‌اند.

بحث بر روی نتایج حاصل از بانکداری ذخیره کامل، خارج از محدوده بررسی این مقاله است. بررسی ادبیات وسیع پیرامون فواید و کاستی‌های بانکداری ذخیره کامل، ممکن است بحث را به درازا بکشاند. با این حال قابل ذکر است که به عنوان مثال گودهارت^۴ (۱۹۸۷؛ ۱۹۹۳)، کرگل^۵ (۲۰۱۲)، دو^۶ و همکاران (۲۰۱۵) و فوتتانا و ساویر^۷ (۲۰۱۵) نقدهای آکادمیکی به بانکداری ذخیره کامل مطرح کرده‌اند.

نوآوری مشخص این مقاله، ارائه نقشه جامعی از طرح‌های پیشنهادی بانکداری ذخیره کامل است. هرچند رونی فیلیپس^۸ (۱۹۹۴) زمینه‌های مناسبی برای این مطالعه، خصوصاً در دوره نیودیل^۹ فراهم نموده، اما چنین بررسی جامعی بر روی طرح‌های پیشنهادی تاریخی و معاصر درباره بانکداری ذخیره کامل پیش از این انجام

1. Sigurjonsson
2. International monetary fund
3. bank for international settlements
4. Goodhart
5. Kregel
6. Dow
7. fontana & sawyer
8. Ronnie philips
9. new Deal period



نشده است، خصوصاً مطالعه‌ای که شامل موج اخیر از طرح‌های پیشنهادی بانکداری ذخیره کامل پیشنهاد شده پس از بحران مالی باشد.

همانطور که جدول ۱ نشان می‌دهد نسخه‌های مختلفی برای بانکداری ذخیره کامل وجود دارد. استاندارد کالایی محض^۱ اولین مدلی بود که در قرن نوزدهم پدیدار شد. پول حاکمیتی^۲ قبل از رکود بزرگ و در دهه ۱۹۲۰ پیشنهاد شد و به نظر می‌رسد تبدیل به مشهورترین مدل پولی بدیل، از زمان بحران مالی شده است. برنامه شیکاگو^۳ از نظر سیاسی و آکادمیک در طول اصلاحات بانکی نیودیل^۴ در دهه ۱۹۳۰ جایگاه ویژه‌ای یافته بود. پول سپرده‌ای^۵ یک نوآوری در میانه دهه ۱۹۸۰ بود. بانکداری محدود^۶ در خلال بحران پس انداز و وام^۷ در اواخر دهه ۱۹۸۰، به عنوان یک مدل جایگزین ظهور کرد. متأخرترین مدل از این طرح، بانکداری با هدف محدود^۸ است که در میانه دهه ۱۹۹۰ مطرح گردید. در بخش‌های پیش‌رو، انواع مختلف بانکداری ذخیره کامل را به ترتیب تاریخی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

ساختار مقاله به این صورت است: در بخش دوم، اولین طرح‌های پیشنهادی بانکداری ذخیره کامل که توسط دیوید ریکاردو آغاز گردید ارائه خواهد شد. در بخش سوم، برنامه شیکاگو که در دوره اصلاحات بانکی نیودیل در دهه ۱۹۳۰ ارائه شد مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در بخش چهارم و پنجم طرح‌های پیشنهادی نیمه دوم قرن بیستم و در بخش ششم موج اخیر طرح‌های پیشنهادی بانکداری ذخیره کامل پس از بحران مالی بزرگ ارائه خواهد شد. در نهایت در بخش هفتم نیز برخی نکات جمع‌بندی خواهد شد.

1. pure commodity standard
2. sovereign money
3. Chicago plan
4. New Deal banking reforms
5. deposited money
6. narrow banking
7. Savings and Loan Crisis
8. limited purpose banking



جدول (۱): مدل‌های مختلف بانکداری ذخیره کامل

توضیحات	پیشنهاد دهندگان	ویژگی‌ها	
مربوط به مکتب اتریش	Ricardo (1824), Mises (1912), Hayek (1937), Rothbard (1962), Huerta de Soto (2009)	پشتوانه همه پول‌ها از جمله سپرده‌های بانکی، کالایی مانند طلا است (پشتوانه در کلیه مدل‌های دیگر، پول دولتی است)	استاندارد کالایی محض
مربوط به پازیتو مانی، بنیاد اقتصاد جدید و اقتصاد محیطی	Soddy (1926; 1934), Currie (1934; 2004), Daly (1980; 2013), Rowbotham (1998), Huber and Robertson (2000), Yamaguchi (2010; 2011; 2014), Jackson and Dyson (2012), Kolehmainen et al. (2013), Farley et al (2013), Wolf (2014a; 2014b), Lainà (2015b), Green Party UK (2015), Sigurjonsson (2015)	بانک‌های سپرده‌پذیر تنها با جذب پس‌اندازها یا از محل سرمایه خود می‌توانند وام پرداخت کنند.	پول حاکمیتی (یکپارچه)
مربوط به مکتب قدیم شیکاگو و پول گرایی	Knight et al (1933), Simons et al (1933), Fisher (1935), Douglas et al (1939), Simons (1948), Friedman (1948; 1960; 1969), Benes and Kumhof (2012; 2013)	بانک‌های سپرده‌پذیر تنها خدمات پرداخت را ارائه می‌کنند و نمی‌توانند وام پرداخت کنند.	برنامه شیکاگو
برای مثال: سیستم پس انداز پستی یا ایجاد حساب بانک مرکزی برای عموم مردم	Tobin (1985; 1987), Jessup and Bochnak (1992), Gruen (2014), Lainà (2015a)	الزام ذخیره کامل تنها برای برخی سپرده‌های خاص اعمال می‌شود. سایر سپرده‌ها (با ذخیره جزئی) ضمانت نمی‌شوند. افراد می‌توانند بین اینکه کدام نوع سپرده را نگه دارند انتخاب کنند.	پول سپرده‌ای
طرح‌های پیشنهادی که محدودیت کمتری دارند به عنوان بانکداری ذخیره کامل شمرده نمی‌شوند.	Kareken (1986), Litan (1987), Spong (1996), DeGrauwe (2008), Kay (2009), Phillips and Roselli (2009), Flaschel et al (2010), Chiarella et al (2011)	دارایی بانک‌ها محدود به «دارایی‌های امن» است؛ بر اساس برخی استانداردها.	بانکداری محدود
به جای بانک، همه ریسک‌ها به سرمایه‌گذاران منتقل می‌شود.	Pollock (1993), Kotlikoff (2010), Cochrane (2014)	بانک‌ها به صندوق‌های سرمایه‌گذاری (دو طرفه) بدون اهرم مالی تبدیل می‌شوند. بدهی بانک‌ها محدود به حقوق صاحبان سهام می‌شود.	بانکداری با هدف محدود



۲. اولین گام‌ها: دیوید ریکاردو و دیگران

اولین طرح برای بانکداری ذخیره کامل را می‌توان به دیوید ریکاردو نسبت داد. در ۱۸۲۳ ریکاردو (۱۸۲۴) «طرحی برای تأسیس یک بانک ملی»^۱ نوشت و در آن استدلال کرد که خلق پول باید از اعطای وام جدا شود، از این طریق که موسسه وام دهنده ملزم به نگهداری ۱۰۰ درصدی ذخایر طلا باشد. طرح ریکاردو یک طرح مبتنی بر ذخایر کامل بود، اما او تنها طلا را به عنوان ذخایر پذیرفته بود. این طرح در سال ۱۸۲۴، شش ماه پس از مرگ او منتشر شد.

طرح ریکاردو (۱۸۲۴) یک طرح استاندارد کالایی محض بود. برخلاف نظام استاندارد کالایی عادی^۲ (مثل نظام استاندارد طلا که تا قرن بیستم در حال اجرا بود)، در نظام استاندارد کالایی محض، همه پول‌ها از جمله سپرده‌های بانکی با کالا پشتیبانی می‌شوند. در نظام استاندارد کالایی عادی، فقط پول پایه^۳ (پول نقد و ذخایر بانک مرکزی) با کالا پشتیبانی می‌شوند.

بنابر تحلیل فیلیپس (۱۹۹۴ الف)، طرح ریکاردو به عنوان یک راهنما در قانون امتیاز بانکی^۴ سال ۱۸۴۴ استفاده شد. همانطور که قبلاً شرح داده شد، قانون امتیاز بانکی (که در انگلستان در سال ۱۸۴۴ به تصویب رسید) بانکداری ذخیره کامل را به شکل مؤثری پیاده نمود. این قانون نگهداری پشتوانه کامل برای اسکناس‌های بانکی را که ابزار غالب پرداخت در آن زمان بود، الزامی کرد. هرچند علاوه بر طلا که توسط ریکاردو (۱۸۲۴) پیشنهاد شده بود، بدهی دولت هم می‌توانست به عنوان پشتوانه اسکناس‌ها نگهداری شود، با این حال این قانون شامل سپرده‌های بانکی نمی‌شد. از این رو، در طول زمان، بانک‌ها قادر به جایگزین کردن اسکناس‌ها با سپرده‌های بانکی بودند. این مسئله در کنار این واقعیت که در طول ۲۵ سال بعد از تصویب قانون، به

1. National Bank
2. regular commodity standard
3. base money
4. Bank Charter Act



محض وقوع یک بحران کوچک این قانون تعلیق می‌شد، تدریجاً به زوال بانکداری ذخیره کامل در بریتانیا منجر شد.

قانون پول ملی^۱ سال ۱۸۶۳ و قانون بانکداری ملی سال ۱۸۶۴، بانکداری ذخیره کامل را برای کلیه بانک‌های ملی در آمریکا الزامی نمود. طبق مک‌کالم^۲ (۱۹۸۹، ص ۳۱۸)، این قوانین اجبار نمود که اسکناس‌های بانک ملی ۱۱/۱۱ درصد پشتوانه اوراق قرضه دولتی داشته باشند (یعنی حتی بیش از بانکداری با ذخیره کامل، چرا که نرخ ذخیره قانونی ۱۱/۱۱ درصد را الزام کرده بود). چندی بعد بر اساس وایت^۳ (۱۹۸۳، ص ۱۱)، کنگره ۱۰ درصد مالیات بر چاپ اسکناس‌های بانکی جدید توسط بانک‌های ایالتی وضع کرد. این مسائل موجب شد بانک‌ها (هم بانک‌های ملی و هم بانک‌های ایالتی)، انتشار اسکناس بانکی را کاهش دهند. با این حال همانند بریتانیا، بانک‌های آمریکایی می‌توانستند با افزایش سپرده‌های جاری، این اصلاحات را دور بزنند.

لودویگ فون میزس^۴ (۱۹۱۲) طرح مختصر پیشنهادی خود برای بانکداری ذخیره کامل را ارائه داد و استدلال نمود که دو دلیل برای چرایی اتخاذ بانکداری ذخیره کامل وجود دارد. نخست آنکه استفاده از پول امانتی^۵ (یعنی پولی که در دو طرف ترازنامه نشان داده شود) موجب بی‌ثباتی می‌شود؛ دوم و مهم‌تر آنکه اثرگذاری انسانی بر روی نظام اعتباری (با پیاده‌سازی بانکداری ذخیره کامل) حذف خواهد شد. از آنجا که پول نقد و ذخایر بانک مرکزی نیز «پول امانتی» هستند، واضح است که میزس بر استاندارد ذخیره کامل طلا (یا استاندارد فلزی دیگر) تأکید دارد. در نتیجه طرح پیشنهادی بانکداری ذخیره کامل میزس بسیار شبیه به طرح استاندارد کالایی محض ریکاردو در یک قرن پیش از آن است.

منشأ اولیه طرح‌های پیشنهادی پول حاکمیتی (یکپارچه) را می‌توان فردریک

1. national currency act
2. McCallum
3. White
4. Ludwig von Mises
5. fiduciary money



سادی دانست. او برنده جایزه نوبل شیمی در سال ۱۹۲۱ بود، اما در عین حال یک اقتصاددان نیز بود. سادی (۱۹۲۹) تفاوت ثروت حقیقی (ساختمان، ماشین‌آلات و...) و ثروت مجازی (پول و بدهی) را مورد توجه قرار داد. ثروت حقیقی به طور اجتناب‌ناپذیر در معرض قوانین آنتروپی ترمودینامیک است (استهلاک)، در حالی که ثروت مجازی صرفاً در معرض قوانین ریاضیات است (افزایش یافتن با نرخ بهره به جای مستهلک شدن). به عنوان یک راه حل برای این عدم تعادل، سادی (۱۹۲۶)؛ (۱۹۳۴) بانکداری ذخیره کامل را پیشنهاد داد. با این حال دیدگاه‌های اقتصادی سادی تا حد زیادی توسط معاصران خود نادیده گرفته شد.

هرچند بانکداری ذخیره کامل در قرن ۱۹ در دو کشور بریتانیا و ایالات متحده اجرا شده بود، اما با ظهور شبه پول نتوانست تاب بیاورد و در نهایت شبه پول به عنوان ابزار غالب پرداخت، جایگزین اسکناس‌های بانکی شد. این شبه پول که با عنوان سپرده‌های بانکی شناخته می‌شود، همچنان نقش ابزار اصلی پرداخت را در اختیار دارد.

۳. برنامه شیکاگو: در دستور کار سیاسی

در طی اصلاحات بانکی نیو دیل روزولت، بانکداری ذخیره کامل مجدداً در قالب برنامه شیکاگو پدیدار شد. برنامه شیکاگو به عنوان راهکاری برای خروج از رکود بزرگ و همچنین یک اصلاح بلندمدت در نظام مالی ارائه شده بود. بخش حاضر به سه قسمت تقسیم شده است: نخست خلاصه‌ای از طرح‌های پیشنهادی برنامه شیکاگو ارائه می‌شود. در بخش دوم اقدامات قانونی صورت گرفته برای اجرای بانکداری ذخیره کامل بیان می‌شود و در بخش سوم نیز واکنش‌های آکادمیک به برنامه شیکاگو تشریح خواهد شد.

۳-۱. طرح‌های پیشنهادی

نسخه ابتدایی برنامه شیکاگو توسط نایت^۱ و همکاران (۱۹۹۳) در بیانیه شیکاگو^۲

1. Knight
2. Chicago Memorandum



مربوط به مارس ۱۹۳۳ آماده شده بود. این بیانیه از جانب گارفیلد کوکس^۱، آرون دایرکتور^۲، پول داگلاس^۳، آلبرت هارت^۴، فرانک نایت^۵، لوید مینتز^۶، هانری شولتز^۷ و هانری سیمونز^۸ بود و توسط فرانک نایت امضا شده بود. تمام این افراد عضو دانشگاه شیکاگو بودند. چندی بعد داگلاس سناتور شد و تا به امروز، به واسطه تابع تولید کاب داگلاس، در علم اقتصاد شناخته شده است! دریافت کننده این بیانیه، هنری والاس^۹ وزیر کشاورزی بود.

به طور خلاصه، طرح پیشنهادی بانکداری ذخیره کامل را در پول و ذخایر بانک مرکزی الزامی می‌کند، که توسط بدهی دولت در حساب‌های بانک‌های فدرال رزرو پشتیبانی می‌شوند. جزئیات این طرح پیشنهادی شامل موارد زیر بود:

- ۱) مالکیت فدرال (دولتی) بانک‌های فدرال رزرو؛
 - ۲) اعطای قدرت انحصاری به کنگره برای واگذاری امتیاز بانکداری سپرده‌ای^{۱۰}؛
 - ۳) وضع دوره گذار دو ساله برای بانکداری سپرده‌ای؛
 - ۴) ایجاد نوع جدیدی از موسسه بانک سپرده‌ای، با الزام نگهداری ذخیره ۱۰۰ درصدی به صورت اسکناس و سپرده‌های نزد بانک‌های فدرال رزرو؛
 - ۵) لغو الزام ذخیره‌گیری برای بانک‌های فدرال رزرو؛
 - ۶) جایگزینی اعتبار خصوصی با اعتبار بانک فدرال رزرو طی دو سال؛
 - ۷) محدود کردن اسکناس و مسکوک به اسکناس‌های فدرال رزرو.
- از آنجا که کاهش سطح عمومی قیمت‌ها^{۱۱} (ناشی از رکود) مهم‌ترین مشکل

1. Garfield cox
 2. Aaron director
 3. Paul Douglas
 4. Albert Hart
 5. Frank Knigh
 6. Lloyd Mints
 7. Henry Schultz
 8. Henry Simon
 9. Henry Wallace
 10. grant charters for deposit banking
 11. deflation



اقتصادی آن زمان بود، یکی از اهداف کوتاه‌مدت این طرح پیشنهادی، «تورم‌زایی»^۱ (یک اصطلاح ابداعی اروینگ فیشر برای نشان دادن تورم بعد از کاهش قیمت‌ها) در قیمت‌های عمده فروشی به میزان ۱۵٪ بود، تا زمانی‌که یک قاعده مدیریت پولی^۲ بلندمدت برقرار شود. به عنوان قاعده مدیریت پولی بلندمدت، این گروه پیشنهادات مختلفی برای ثبات عرضه پول ارائه نمود.

بر اساس بیان فیلیس (۱۹۹۴آ)، والاس بیانیه شیکاگو مربوط به مارس ۱۹۳۳ را دو هفته و نیم بعد از رونمایی، تسلیم رئیس جمهور روزولت نمود. برنامه شیکاگو همچنین برای افراد دیگری از جمله جان مینارد کینز^۳ نیز فرستاده شد. طبق بیان فیلیس (۱۹۹۴آ) کینز اجماً نسبت به این طرح ابراز علاقه نمود اما دیدگاه‌هایش را با جزئیات بیشتری شرح نداد.

نسخه دوم برنامه شیکاگو توسط سیمون و همکاران (۱۹۳۳) در بیانیه شیکاگو مربوط به نوامبر ۱۹۳۳ ارائه شد. این بیانیه توسط همان گروه امضا شد اما طبق دیدگاه فیلیس (۱۹۹۴آ)، آشکارا تنها توسط هنری سیمونز نوشته شده بود. نسخه تجدیدنظر شده برنامه شیکاگو، شامل بندهایی مشابه نسخه مارس ۱۹۳۳ بود، با این تفاوت که یک قاعده ساده برای سیاست پولی اضافه شد و تعیین سطح قیمتی هدف به کنگره واگذار گردید. در این طرح استدلال شده بود که سیاست پولی باید بر اساس قاعده -و نه صلاح‌دید- اجرا شود. هدف سیاست پولی می‌تواند به طور مثال ثبات قیمتی، رشد ثابت عرضه پول یا دیگر اهداف تعیین شده توسط کنگره باشد.

این طرح پیشنهادی نه شامل بیمه سپرده^۴ بود و نه در چپه تنزیل بانک مرکزی^۵. چرا که در این طرح، از یک طرف سپرده‌ها به طور کامل توسط ذخایر پشتیبانی می‌شدند و از طرف دیگر بانک‌ها همواره قادر به تسویه پرداخت‌ها بودند و دسترسی اعتباری به

1. reflation
2. Currency-management rule
3. John Maynard Keynes
4. deposit insurance
5. discount window



عنوان مشکل بالقوه مطرح نبود. همچنین طرح پیشنهادی، برقراری نظام استاندارد طلا را رد می‌نمود.

طرفداران بانکداری ذخیره کامل در درون دولت ایالات متحده نیز وجود داشتند. در ۱۹۳۴ وزیر خزانه داری، هانری مورجنتاؤ^۱، جاکوب وینر^۲ را منصوب کرد تا گروهی را به منظور جمع‌بندی ایده‌های مربوط به پول، بانکداری و امور مالی عمومی تشکیل دهد. از این گروه با نام "freshman brain trust" یاد می‌شد. در میان این افراد، لاکلین کوری^۳ و آلبرت هارت^۴ که آشکارا حامی بانکداری ذخیره کامل بودند و جاکوب وینر که حداقل علاقمند به آن بود، دیده می‌شدند. همان سال، کوری دستیار شخصی رئیس هیات مدیره فدرال رزرو - مارینر اکلز^۵ - شد.

لاکلین کوری (۱۹۳۴) طرح پیشنهادی بانکداری ذخیره کامل خود را به مورجنتاؤ در ۱۹۳۴ ارائه داد. در طرح پیشنهادی پول حاکمیتی کوری، بانک‌ها ابتدا از طریق دریافت اسکناس‌های بدون بهره از بانک‌های فدرال رزرو، الزام ذخیره قانونی ۱۰۰ درصدی را تأمین می‌کنند. این اسکناس‌ها می‌تواند به مدت نامحدود در گردش باشد یا در مدتی بین ۵ تا ۲۰ سال با اوراق قرضه دولتی معاوضه شده و توسط بانک‌های فدرال رزرو از گردش خارج شود. از آنجا که دریچه تنزیل حذف خواهد شد، عرضه پول تنها از طریق عملیات بازار باز تحت تأثیر قرار می‌گیرد. کوری (۱۹۳۴) مخالف مقام پولی مستقل بود، چرا که استدلال می‌کرد دموکراسی باید در مورد سیاست پولی نیز اعمال شود. همانطور که یادداشت‌های او از ۱۹۳۸ نشان می‌دهد، کوری (۲۰۰۴) توسعه ایده بانکداری ذخیره کامل را ادامه داد. طرح پیشنهادی دیگر برای بانکداری ذخیره کامل که از درون دولت نشأت گرفت، از طرف گاردینر مینز^۶ (۱۹۳۳) ارائه شد

1. Henry Morgenthau
2. Jacob Viner
3. Lauchlin Currie
4. Albert Hart
5. Marriner Eccles
6. Gardiner Means



که در وزارت کشاورزی شاغل بود.

بر اساس سندیلندز^۱ (۲۰۰۴)، کوری تأثیر زیادی بر روی نسخه دولتی (لایحه) قانون بانکداری ۱۹۳۵ داشت. فیلیپس (۱۹۹۴ آ) استدلال می‌کند علی‌رغم این، کوری گنجانیدن بانکداری ذخیره کامل در لایحه را توصیه نمی‌کرد، چرا که او بانکداری ذخیره کامل را به جهت سیاسی غیر قابل قبول می‌انگاشت. بر اساس فیلیپس (۱۹۹۴ آ)، کوری بر روی هدف ذخیره قانونی ۱۰۰ درصدی سازش (معامله) کرد، و در نهایت، این سازش او امکان چنین اصلاحاتی در آینده را نیز از بین برد. با این وجود، کوری توانست در لایحه مذکور این مطلب را بگنجانند که هیئت مدیره فدرال رزرو می‌توانند قدرت نامحدود در تغییر نرخ ذخایر داشته باشند، با این تصور که تدریجاً تا ۱۰۰ درصد افزایش خواهند یافت. با این وجود سناتور کارتر گلس^۲ توانست با بازنویسی لایحه در کنگره، قدرت فدرال رزرو را برای افزایش نرخ ذخیره قانونی به حداکثر ۳۰ درصد محدود کند. بدیهی است که این امر مانع هرگونه تلاش برای افزایش نرخ ذخیره قانونی به ۱۰۰ درصد شد.

رئیس جمهور روزولت و اروینگ فیشر، طبق فیلیپس (۱۹۹۴ آ)، غالباً با یکدیگر در تماس بودند. روزولت از فیشر خواست تا نقطه نظراتش در مورد سیاست‌های اقتصادی وی را ارائه دهد. فیلیپس (۱۹۹۴ آ) معتقد است که فیشر زمانی با بانکداری ذخیره کامل آشنا شد که بیانیه شیکاگو به دستش رسید. فیشر بر روی ویرایش مختص خود از برنامه شیکاگو کار می‌کرد و پیش‌نویس کتاب خود «پول ۱۰۰٪» را به روزولت ارائه کرد. طبق فیلیپس (۱۹۹۴ آ)، فیشر چندین بار روزولت را به در نظر گرفتن طرح پیشنهادی ترغیب نمود. روزولت و فیشر به طور مداوم نامه‌هایی حول موضوع بانکداری ذخیره کامل رد و بدل کردند و حتی روزولت علاقه‌هایی به آن نشان داد، اما او نمی‌خواست این اصلاحات را به سرعت انجام دهد چرا که بانکدارها با آن

1. Sandilands
2. Carter Glass



مخالفت می‌کردند. با این وجود روزولت طرح پیشنهادی فیش را به وزیر خزانه‌داری – هانری مورجنتائو – ارجاع داد.

در ۱۹۳۵ اروینگ فیش نسخه بانکداری ذخیره کامل خود را منتشر کرد. کتاب «پول ۱۰۰ درصد» فیش (۱۹۳۵) هم‌راستایی زیادی با برنامه شیکاگو داشت، اما در برخی اهداف سیاستی تفاوت‌هایی داشت. فیش قاعده ثبات سطح قیمت‌ها را به جای ثبات کل‌های پولی پیشنهاد داد.

۳-۲. قانون‌گذاری

قانون‌گذاری برای اجرای بانکداری ذخیره کامل در طول اصلاحات نیو دیل آغاز شد. لازم به ذکر است که پیش‌تر، بانکداری ذخیره کامل به واسطه قانون اضطراری بانکداری ۱۹۳۳ امکان‌پذیر شده بود. این قانون به بانک‌ها اجازه می‌داد که حساب‌های سپرده‌ای با پشتوانه پول نقد، ذخایر بانک مرکزی و اوراق قرضه دولتی افتتاح کنند. به عبارت دیگر این حساب‌های سپرده بر طبق اصول بانکداری ذخیره کامل عمل می‌کردند. طبیعتاً حساب‌های سپرده دیگری نیز وجود داشت و لذا در نتیجه تنها بخش کوچکی از سپرده‌ها به طور کامل توسط پول دولتی^۱ پشتیبانی می‌شد. برآورده کردن الزام ذخیره قانونی کامل برای این حساب‌ها، برای بانک‌ها ساده بود؛ چرا که فدرال رزرو با تغییر سیاست خود و انتشار ذخایر در برابر تقریباً هر نوع دارایی بانک‌ها، جریان زیادی از ذخایر را به نظام بانکی سرازیر نمود.

ایده بانکداری ذخیره کامل حتی بدون الزامات قانونی در سطح بانکی تجربه شده بود. طبق فیلیس (۱۹۹۴، ب) جان ام نیکولز^۲، با اداره موفق یک بانک طبق اصل بانکداری ذخیره کامل برای بیش از یک دهه، این تئوری را به صورت کامل اجرایی نمود. همچنین لوایحی برای اجرای کامل بانکداری ذخیره کامل در سراسر کشور وجود

1. government money
2. John M Nichols



داشت. طبق فیلیس (۱۹۹۴ آ) هانری سیمونز و رابرت همفیل^۱ یک لایحه را، بیشتر بر مبنای بیانیه شیکاگو برای سناتور برانسون کاتینگ^۲ و نماینده کنگره رایت پتمن^۳ تنظیم کردند. آن‌ها لایحه S.3744، «یک لایحه برای تنظیم ارزش پول» (H.R.9855) را در ۱۹۳۴ ارائه کردند.

هدف این لایحه اصلاح کمبودهای قانون بانکداری ۱۹۳۳ بود که در آن به مشکل وجود اعتبار و چگونگی کنترل موثری عرضه پول اشاره‌ای نشده بود. فیلیس (۱۹۹۴ آ) می‌گوید: «بیمه سپرده، بانک‌ها را «امن»^۴ کرد، اما نه با اعمال محدودیت‌های مستقیم بر روی دارایی‌های آن‌ها، بلکه به واسطه تعهد دولت برای ضمانت درصدی از سپرده‌ها در تمام بانک‌ها، چه خوب و چه بد. به بیان دیگر، بیمه سپرده در متوقف کردن ورشکستگی بانک‌ها (در اثر هجوم مردم) موفق شد، اما توجهی به دومین وظیفه اصلی بانک‌ها نکرد: تأمین مالی افزایش (توسعه) سرمایه اقتصاد.

این لایحه الزام می‌کرد که پول نقد قانونی و سپرده‌های بانکی، به طور کامل توسط ذخایر بانک مرکزی یا اوراق بهادار دولتی پشتیبانی شود. این لایحه پیشنهادات زیر را مطرح نمود:

- ۱) جداسازی سپرده‌های جاری از سپرده‌های پس انداز؛
- ۲) الزام بانک‌ها به نگهداری ذخیره ۱۰۰ درصدی برای سپرده‌های جاری؛
- ۳) الزام بانک‌ها به نگهداری ۵ درصدی ذخیره در برابر سپرده‌های پس انداز؛
- ۴) تأسیس مقام پولی فدرال^۵ با کنترل کامل بر عرضه پول، خرید و فروش اوراق بهادار دولتی و قیمت دلاری طلا؛
- ۵) الزام مقام پولی فدرال به نگهداری مقدار کافی اوراق قرضه بانک‌ها برای تأمین ذخیره ۱۰۰ درصدی برای سپرده‌های دیداری؛

1. Robert Hemphil
2. Bronson Cutting
3. Wright Patman
4. safe
5. Fedederal monetary authority



۶) الزام مقام پولی فدرال به افزایش سطح قیمت‌ها به سطح سال ۱۹۲۶ و تثبیت آن با خرید و فروش اوراق قرضه دولتی.

طبق فیلیپس (۱۹۹۴ آ)، سناتور کاتینگ نزد رئیس جمهور روزولت منفور بود. این یکی از دلایل عدم حمایت دولت از لایحه و در نتیجه عدم تصویب آن بود. البته این لایحه مجدداً با نام S.2204 ارائه شد. یک ضربه مهم به قانون‌گذاری در خصوص بانکداری ذخیره کامل، در طول مباحثات چالش برانگیز حول قانون بانکداری ۱۹۳۵، در می ۱۹۳۵ وارد شد، زمانی که سناتور کاتینگ در یک سانحه هوایی کشته شد. طرح پیشنهادی بانکداری ذخیره کامل برای آخرین بار توسط سناتور نای ارائه شد اما اصلاحیه او شکست خورد.

قانون بانکداری ۱۹۳۵، نسخه تقلیل یافته لایحه کاتینگ و پاتمن بود و هرچند از برخی جنبه‌ها اصلاح کننده بود، برای مثال به فدرال رزرو اجازه تغییر نرخ‌های ذخیره قانونی را داد و بیمه سپرده‌ها را دائمی کرد اما پول را به گونه‌ای اصلاح نکرد که کاملاً توسط پول دولتی پشتیبانی شود. هرچند برنامه شیکاگو مورد قبول واقع نشد اما تأثیر قابل توجهی بر قانون نیو دیل داشت. در مجموع قوانین بانکداری ۱۹۳۳ و ۱۹۳۵ کنترل بهتری بر سیاست پولی و عرضه پول به دولت دادند، اما نه کنترل کامل بر عرضه پول. فیلیپس (۱۹۹۴ آ) چهار دلیل درباره اینکه که چرا بانکداری ذخیره کامل مورد پذیرش واقع نشد بیان می‌کند:

- ۱) دولت در مدیریت قانون‌گذاری حول بانکداری اشتباه کرد چرا که سناتور گلس را به‌روز نگه نداشت؛
- ۲) عموم مردم ناآگاه بودند؛
- ۳) مرگ سناتور کاتینگ؛
- ۴) تصور بر این نبود که قانون بانکداری ۱۹۳۵، آخرین قانون بانکداری در دوره نیو دیل است.

فیلیپس (۱۹۹۴ آ) می‌افزاید بانکداران مخالف برنامه شیکاگو بودند چون آن را



موجب کاهش سود خود می‌دیدند. آن‌ها در برابر هرگونه تغییر در وضع موجود مقاومت می‌کردند، مگر آنکه مطمئن می‌شدند نظام جدید برایشان سودآورتر خواهد بود. ویتلسی (۱۹۳۵، ص ۲۳) با این مطلب کاملاً هم‌نظر بود چون می‌دید دلیل مخالفت با طرح پیشنهادی این است که خدمات رایگان بانک‌ها دیگر رایگان نخواهد ماند و صاحبان بانک‌ها منبع اصلی سودشان را از دست خواهند داد.

۳-۳. واکنش‌های آکادمیک

تنها پس از تصویب قانون بانکداری ۱۹۳۵ که برنامه شیکاگو مورد توجه واقع شد و محبوبیت آکادمیک گسترده‌ای یافت، بیشتر بحث‌های آکادمیک نسبت به اصل طرح علاقمند بودند: نگرانی‌ها نسبت به دوران گذار و جزئیات وجود داشتند اما اهداف (اصل بانکداری ذخیره کامل) مطلوب به نظر می‌رسید.

داگلاس (۱۹۳۵)، ویتلسی^۱ (۱۹۳۵)، هارت (۱۹۳۵)، گراهام (۱۹۳۵) و هیجینز^۲ (۱۹۴۱) از بانکداری ذخیره کامل حمایت کردند اما بر دلایل مختلفی تأکید می‌کردند. در نسخه آنجل (۱۹۳۵) دولت وثیقه‌ای بر دارایی‌های کل بانک‌ها، برابر با پول‌های جدید دریافتی قرار می‌دهد. از پرداخت کارمزد بانک‌ها توسط مقدر مشخصی که بانک‌ها پرداخت می‌کنند به یک صندوق عمومی اجتناب می‌شود، سپس به نسبت سپرده‌های دیداری خود، از صندوق پول دریافت می‌کنند.

واتکینز (۱۹۳۸) به کینز اشاره می‌کند: این اصلاح‌طلبان (پولی) کسانی هستند که در جستجوی راه‌حلی اصلاحی از طریق ایجاد هزینه ساختگی حمل برای پول توسط دستگاهی قانونی هستند که اسکناس و مسکوکات، دوره‌ای نشان دار شود با یک هزینه تجویز در جهت اینکه پول واقعاً پول بوده و در مسیر صحیح باشد. واتکینز (۱۹۳۸) و ۴۴) بحث کرد که بانکداری ذخیره کامل می‌تواند مشابه همان منظور کینز باشد که هزینه کارمزد می‌تواند رشد یابد.

1. Whittlesey
2. Higgins



داگلاس و همکاران (۱۹۳۹) مقاله‌ای را منتشر کردند که ادعا می‌کرد بانکداری ذخیره کامل توسط نزدیک به ۳۰۰ اقتصاددان مورد حمایت واقع شده در حالی که تنها ۴۳ نفر با آن مخالفت کرده بودند. این مقاله توسط پائول داگلاس، آروینگ فیشر، فرانک گراهام، ایرل همیلتون، ویلفورد کینگ و چارلز ویتلسی نوشته شده بود، و شامل بسیاری از خصوصیات طرح‌های پیشنهادی قبلی بانکداری ذخیره کامل بود. طبق آلن (۱۹۷۷ ص ۵۸۶)، این گروه دوسال بعد جان کامونز^۱ را نیز شامل شد و حامیان آن به حدود ۴۰۰ اقتصاددان افزایش یافت.

هایک^۲ (۱۹۳۷) از سویی دیگر طرح‌های پیشنهادی استاندارد کالایی محض را احیا کرد. در طرح پیشنهادی استاندارد کالایی محض او، سپرده‌ها نه با پول دولت، بلکه فقط باید با طلا پشتیبانی شوند. سایر ویژگی‌های طرح پیشنهادی هایک کاملاً شبیه برنامه شیکاگو اصلی است.

استاندارد کالایی محض نوعی از طرح‌های پیشنهادی بانکداری ذخیره کامل است که گاهی اوقات مرتبط با «بانکداری آزاد» در نظر گرفته می‌شود. با این حال برخی طرح‌های پیشنهادی بانکداری آزاد، مطابق تعریف، از حوزه بانکداری ذخیره کامل خارجند، چرا که هیچ الزامات ذخیره‌ای در آنها وجود ندارد. برخی دیگر از طرح‌های پیشنهادی، مثل طرح هایک (۱۹۳۷)، بر بانکداری آزاد با پشتوانه کامل طلا تأکید می‌کردند. ظاهراً معنای کلمه «آزاد» در این بستر، «آزاد از هرگونه کنترل دولتی» است، چراکه بانک‌ها نمی‌توانند آزادانه پول منتشر کنند.

اگرچه بانکداری ذخیره کامل ممکن است یک راه حل رادیکال به نظر برسد، اما در آن زمان بانکداری ذخیره کامل یک بدیل میانه‌تر نسبت به ملی کردن کل سیستم بانکی بود (به بحث‌های سیمونز، ۱۹۴۸، داگلاس، ۱۹۳۵ و واتکینز، ۱۹۳۸ نگاه کنید). امروزه ممکن است بسیار عجیب به نظر برسد که تقاضا برای اجرای بانکداری ذخیره کامل از دانشگاه شیکاگویی بیرون آمد که دپارتمان اقتصادی آن به ارائه نسخه‌های

1. John R commons
2. Hayek



سیاستی لسه فر^۱ (بازار آزاد) شناخته می‌شود. طبق فیلیپس (۱۹۹۴ آ) بنیانگذاران مکتب اقتصادی شیکاگو – فرانک نایت، هانری سیمونز، جاکوب وینر و لوید مینتز – واقعاً طرفدار بازار آزاد در صنعت بودند، اما همزمان در حق دولت بر داشتن انحصار کامل بر خلق پول تردید نداشتند.

۴. بعد از جنگ جهانی دوم: توسعه‌های آکادمیک

پس از جنگ جهانی دوم فضا برای اصلاح، مجدداً مساعد شد. نماینده کنگره جری وورهایس^۲ لایحه H.R.3648 را در ۱۹۴۵ برای ایجاد یک مقام پولی به عنوان تنها خلق‌کننده پول ارائه کرد. طبق فیلیپس (۱۹۹۴ آ) وورهایس همکاری نزدیکی با فیشر داشت، کسی که تا ۱۹۴۶ بیش از ۱۱۰۰ پاسخ مثبت از ۴۶۶۲ عضو انجمن اقتصادی آمریکایی^۳ گرفته بود که مایل به امضای بانکداری ذخیره کامل بودند (در حالی که اغلب اعضای انجمن پاسخی نداده بودند). با این وجود، امکان‌پذیری سیاسی بانکداری ذخیره کامل در انتخابات ۱۹۴۶ پایان یافت، زمانی که جری وورهایس نماینده کالیفرنیا، از ریچارد نیکسون^۴ شکست خورد.

با این حال بانکداری ذخیره کامل در محیط دانشگاهی رها نشد. بعد از مرگ اروینگ فیشر، هانری سیمونز (۱۹۴۸) مباحثات حول برنامه شیکاگو را ادامه داد و لوید مینتز (۱۹۵۰ ص ۱۸۶) طرح پیشنهادی خودش را ارائه کرد.

موریس آله^۵ نسخه بانکداری ذخیره کامل پیشنهادی خودش را در ۱۹۴۸ به زبان فرانسوی ارائه داد. دیدگاه‌های او تا ۱۹۸۷ به انگلیسی برگردانده نشد (در مقاله آله (۱۹۸۷)). طرح پیشنهادی آله به نسخه‌های قبلی طرح ذخیره کامل شباهت داشت، اما در برخی جنبه‌های مهم متفاوت بود. او استدلال کرد که بانک‌ها باید ملزم شوند قرض‌های بلندمدت بگیرند و وام‌های کوتاه مدت بدهند، در حالی که در آن زمان (و

1. laissez faire
2. Jerry Voorhis
3. American Economic Association
4. Richard Nixon
5. Maurice Allais



تاکنون) بانکها قرض کوتاه مدت می‌گیرند و وام بلندمدت می‌دهند.

فریدمن (۱۹۴۸)، حذف خلق پول خصوصی و کنترل صلاححیددی عرضه پول توسط مقامات پولی را پیشنهاد داد. این پیشنهاد همچنین به معنای حذف پنجره تزویل بود. فریدمن (۱۹۴۸) استدلال کرد که عملکرد اصلی مقام پولی باید خلق پول برای جبران کسری بودجه دولت یا از بین بردن پول هنگام وجود مازاد بودجه دولت باشد. البته فریدمن بعداً در مقاله‌ای از این دیدگاه خود فاصله گرفت.

طرح پیشنهادی بعدی فریدمن (۱۹۶۰)، با طرح اینکه باید به ذخایر بهره پرداخت شود، از برنامه شیکاگو فاصله گرفت؛ چرا که بر اساس نظر فریدمن، بانکداری ذخیره کامل عملاً نوعی مالیات بر سیستم بانکی است. فریدمن (۱۹۶۰ ص ۷۴) استدلال کرد که پرداخت بهره روی ذخایر می‌تواند انگیزه فرار از الزام ذخیره کامل و تلاش برای خلق شبه پول را کم کند. همچنین فریدمن (۱۹۶۰ ص ۶۵) استدلال کرد که نگه‌دارندگان پول و نگه‌دارندگان اوراق دولتی، باید به طور یکسان جبران شوند (نرخ بهره اوراق و پول باید یکسان باشد). فریدمن (۱۹۶۰، ص ۷۰) تصریح می‌کند که «هیچ مشکل فنی برای گذار از نظام فعلی ما به نظام ذخیره ۱۰۰ درصد وجود ندارد».

فریدمن (۱۹۶۹، ص ۸۳) با طرح بانکداری ذخیره کامل سیمونز موافق بود، اما با دلایلی متفاوت. هدف فریدمن (۱۹۶۹، ص ۸۳) کاهش دخالت دولت در وام دادن و قرض گرفتن، و ایجاد آزادی بیشتر در تنوع ترتیبات قرض‌دهی و وام‌دهی بود.

روثبارد (۱۹۶۲) معتقد بود که بانک مرکزی باید از بین برود و ما باید سیستم بانکداری آزاد را انتخاب کنیم. با این وجود، روثبارد^۱ طلا را به عنوان تنها دارایی واجد شرایط برای پشتیبانی سپرده‌ها پیشنهاد داد. به عبارت دیگر، او طرح استاندارد کالایی محض را پیشنهاد می‌داد. طرح پیشنهادی استاندارد طلای ۱۰۰ درصد روثبارد خیلی شبیه به طرح پیشنهادی هایک (۱۹۳۷) است.



۵. آغاز هزاره سوم: ایده‌های خلاقانه‌تر

بعد از فریدمن بانکداری ذخیره کامل محبوبیت خود را در دنیای آکادمیک و در میان سیاست‌گذاران برای چند دهه از دست داد. اما طرح‌های پیشنهادی بانکداری ذخیره کامل در آغاز هزاره سوم احیا شد و طرح‌های پیشنهادی هوشمندانه‌تر و خلاقانه‌تری مثل پول سپرده‌ای، بانکداری محدود و بانکداری با هدف محدود ارائه شد. البته طرح‌های سنتی‌تر نظیر پول دولتی یا در نظر گرفتن طلا به عنوان پشتوانه سپرده‌ها نیز وجود داشت.

طرح پیشنهادی پول سپرده‌ای جیمز توپین (۱۹۸۵ و ۱۹۸۷) شامل ایجاد یک نوع پول با کارکردی مطابق اصل بانکداری ذخیره کامل می‌شد، اما در عین حال اجازه وجود دیگر سپرده‌ها را نیز می‌داد. بنابراین پول سپرده‌ای توپین (۱۹۸۵-۱۹۸۷) می‌تواند به عنوان «بانکداری ذخیره کامل محدود یا اختیاری» شناخته شود. به عبارت دیگر تنها بخشی از سپرده‌های دیداری (که اندازه آن بر اساس عملکرد عاملان مختلف اقتصادی مختلف تعیین می‌شود) طبق اصل بانکداری ذخیره کامل عمل خواهند کرد. علاوه بر پول سپرده‌ای توپین، طرح‌های پیشنهادی «بانکداری ذخیره کامل محدود» نیز وجود دارند. جیسپ و بوکناک^۱ (۱۹۹۲) احیای نظام پس‌اندازهای پستی^۲ را ارائه دادند. طبق اوهارا و ایزلی^۳ (۱۹۷۹، ص ۷۴۴) موجودی حساب‌های پس‌اندازی پستی می‌توانستند تنها در اوراق بهادار دولتی سرمایه‌گذاری شوند یا در بانک‌های ملی سالم^۴ (دارای وضعیت مالی مناسب) قرار داده شوند. بنابراین نظام پس‌انداز پستی می‌تواند نوعی پیاده‌سازی محدود بانکداری ذخیره کامل در نظر گرفته شود.

آغاز هزاره سوم طرح‌های پیشنهادی بانکداری محدود را هم به خود دید (که بعضاً به آن بانکداری متمرکز^۵ هم گفته می‌شود). بانکداری محدود، که اصطلاح آن

1. Jessup & Bochnak
2. postal savings accounts
3. O'Hara and Easley
4. solvent national banks
5. core banking



توسط لیتان^۱ (۱۹۸۷) ابداع شد، اجازه می‌دهد که هر دارایی امن^۲، عنصر متوازن کننده سپرده‌های بانکی باشد (بتواند به عنوان پشتوانه سپرده‌های بانکی نگهداری شود). دارایی‌های امن می‌توانند هر چیزی باشند، از ذخایر بانک مرکزی گرفته تا وام‌های بانکی سنتی مانند وام‌های رهنی (بسته به طرح پیشنهادی). در واقع برخی طرح‌های پیشنهادی بانکداری محدود به قدری آسانگیر هستند که نمی‌توان آنها را در جرگه طرح‌های بانکداری ذخیره کامل قرارداد. با این حال لیتان (۱۹۸۷) کارکن^۳ (۱۹۸۶) و اسپانگ^۴ (۱۹۹۶) محدودیت‌های سختگیرانه‌ای بر دارایی‌های بانک‌ها تحمیل می‌کنند که موجب می‌شود شرایط لازم برای قرار گرفتن در طرح‌های «بانکداری ذخیره کامل» را پیدا کنند.

طبق مقاله فرگوسن (۱۹۹۳)، گوردون گتی^۵ قصد داشت نظام مالی کنترل شده توسط فدرال رزرو را با یک نظام موازی صندوق‌های سرمایه‌گذاری (دوطرفه)^۶ جایگزین نماید. از طرف دیگر نیز پولوک^۷ (۱۹۹۳) پیشنهاد احیای مؤسسات پس‌انداز و وام دوطرفه^۸ را داد که تأمین مالی سرمایه‌گذاری را محدود به سرمایه یا سهام منتشر شده می‌نماید. این دسته از طرح‌های پیشنهادی بانکداری ذخیره کامل، **بانکداری با هدف محدود**^۹ نام‌گذاری شده است. سهام صندوق‌های تعاونی، بر اساس پورتفوی دارایی‌ها، به طور مؤثری دارای پشتوانه پولی است. در این سیستم، بیمه دولتی ارائه نمی‌شود و هیچ تضمینی برای تسویه بر مبنای قیمت اسمی سهام وجود ندارد. به جای بانک‌ها، افراد متحمل ریسک می‌شوند. این نیز یک نظام مبتنی بر ذخیره کامل است، اما ذخایر نه از نوع بدهی دولتی (پول) هستند نه به شکل کالا (طلا).

1. Litan
2. safe assets
3. Kareken
4. Spong
5. Gordon getti
6. mutual funds
7. Pollock
8. mutual savings and loan associations
9. limited purpose banking



وایل هاتسون^۱ (۱۹۸۵) و شیمان^۲ (۱۹۹۱) قصد داشتند برنامه شیکاگو را در یک بستر مدرن‌تر پیاده کنند، بانکداری اسلامی نیز به عنوان یک راه جایگزین برای سازماندهی نظام پولی مورد بحث قرار گرفت. طبق فیلیپس (۱۹۹۴، ص ۲۰۸)، بانکداری اسلامی که دریافت بهره را ممنوع می‌کند، نوعی از بانکداری ذخیره کامل است. خان و میرآخور^۳ (۱۹۸۵) خان (۱۹۸۸؛ ۱۹۸۶) و دوک^۴ (۱۹۸۸) بحث مفصلی را در مورد ارتباط بین بانکداری ذخیره کامل و بانکداری اسلامی ارائه کرده‌اند. در ۱۹۹۸ هرتا دی سوتو^۵ (۲۰۰۹، فصل ۹) یک طرح استاندارد کالایی محض را پیشنهاد داد که از خط فکری جریان بسیار لیبرال مکتب اتریش پیروی می‌کرد. او یک نظام بانکداری ذخیره کامل را پیشنهاد داد که شامل آزادی کامل در انتخاب واحد پولی، اجرای بانکداری آزاد و حذف بانک مرکزی بود. بنابراین طرح پیشنهادی دی سوتو به طور خاص بر مبنای طرح‌های پیشنهادی فون میزس (۱۹۱۲)، فردریک هایک (۱۹۳۷) و مورای روئبارد (۱۹۶۲) ساخته شده است، که مخالف هر نوع نظام پولی است که در آن دولت می‌تواند تأثیر قابل توجهی روی سیاست‌های پولی داشته باشد، چه از طریق نرخ بهره و چه از طریق حجم پول. همانطور که هایک (۱۹۳۷) و روئبارد (۱۹۶۲) بانکداری ذخیره کامل را تنها در طلا می‌پذیرفتند، دی سوتو (۲۰۰۹، ص ۷۳۹) استدلال مشابهی برای نظام استاندارد کالایی محض ارائه کرد؛ هر چند پس از گذار اولیه به استاندارد طلای ۱۰۰ درصد، ورود خود به خودی و تدریجی سایر استانداردهای پولی را نیز می‌پذیرفت.

دالی (۱۹۸۰) و دیگر اقتصاددانان محیطی^۶ نسخه بانکداری ذخیره کامل سادی (۱۹۳۴؛ ۱۹۲۶) «پول حاکمیتی» را در نهایت دوباره به جریان انداختند. روباتام^۷

1. While hotson
2. schemmann
3. Khan and Mirakhor
4. Doak
5. Huerta de soto
6. ecological economists
7. Rowbotham



(۱۹۹۸) بر تجزیه و تحلیل کل نگر^۱ از نظام پولی و دلایل لزوم اصلاحات پولی در حال حاضر تمرکز نمود. او نیز نسخه خود را از چگونگی پیاده‌سازی دقیق نظام پول حاکمیتی ارائه داد. طبق روباتام (۱۹۹۸)، سهم پول دولتی از کل حجم پول باید به تدریج افزایش یابد، حال یا از طریق هزینه‌های دولت و یا درآمد پایه^۲.

هوبر و رابرتسون^۳ (۲۰۰۰) نخستین طرح حاوی جزئیات برای «پول حاکمیتی» را ارائه کردند. بحث اصلی آنها این بود که درآمد حق الضرب^۴ را باید به عنوان امتیاز انحصاری دولت دوباره احیا نمود. از این رو کل پول جدید باید به عنوان درآمد عمومی منتشر شود، و توسط دولت خرج شده و به گردش درآمد.

۶. عواقب بحران مالی جهانی: برگشت به دستور کار سیاسی

بحران مالی جهانی موجب شد تا موجی جدید از طرح‌های پیشنهادی و تحقیقات آکادمیک حول بانکداری ذخیره کامل ایجاد شود. اخیراً مارتین وولف^۵ (۲۰۱۴، آ؛ ۲۰۱۴، ب) تحلیلگر ارشد اقتصادی در فاینانشیال تایمز^۶ علناً از بانکداری ذخیره کامل حمایت کرده، پارلمان بریتانیا حول موضوع خلق پول مباحثه داشته، سونیس در حال تدارک یک همه‌پرسی روی بانکداری ذخیره کامل است، نخست وزیر ایسلند گزارشی روی موضوع بانکداری ذخیره کامل را در دستور کار کمیسیون قرار داده و لایحه‌هایی برای پیاده‌سازی بانکداری ذخیره کامل در امریکا و انگلیس ارائه شده است. بانکداری ذخیره کامل دوباره بر سر زبان‌ها افتاده است.

در این بخش ابتدا طرح‌های پیشنهادی معاصر برای بانکداری ذخیره کامل مرور و سپس طرح‌های قانونی و جنبش‌های مدنی حمایت از بانکداری ذخیره کامل توصیف می‌شود. در نهایت مدلسازی‌های آکادمیک انجام شده برای بانکداری ذخیره کامل ارائه می‌گردد.

1. holistic analysis
2. basic income
3. Huber and Robertson
4. seigniorage revenue
5. Martin Wolf
6. Financial Times



۶-۱. طرح‌های پیشنهادی

احتمالاً دقیق‌ترین و جزئی‌ترین نسخه بانکداری ذخیره کامل تاکنون، توسط مؤسسه پازیتو مانی^۱ در کتاب جکسون و دایسون^۲ (۲۰۱۲) ارائه شده است. طرح پیشنهادی «پول حاکمیتی» این مؤسسه متناسب با فضای بریتانیا نوشته شده و توسط ستون‌نویس روزنامه فاینانشیال تایمز، مارتین وولف (۲۰۱۴. آ) مورد تأیید قرار گرفته است. کله‌ماین^۳ و همکاران (۲۰۱۳) طرح پیشنهادی مشترک نوشته شده نگارنده^۴ است که نسخه پیشنهادی پول حاکمیتی را در فنلاند ارائه می‌کند.

جکسون و دایسون (۲۰۱۲) استدلال می‌کنند که پول باید یک دارایی برای دارنده‌اش باشد اما بدهی برای هیچکس نباشد. برخلاف طرح‌های پیشنهادی قبلی بانکداری ذخیره کامل، جکسون و دایسون (۲۰۱۲) و همچنین نسخه پیشین آن، دایسون و همکاران (۲۰۱۱) پیشنهاد می‌دهند که سپرده‌ها به لحاظ حسابداری باید خارج از ترازنامه در نظر گرفته شوند. به این معنا که تمام سپرده‌ها به امانت نزد بانک مرکزی نگه‌داری شوند (اگرچه آنها راه جایگزین دیگری نیز ارائه می‌کنند که به موجب آن سپرده‌ها می‌تواند در ترازنامه بانک مرکزی نگه‌داری شود). آن‌ها استدلال کردند که حتی امروزه نیز در آمریکا با مسکوکات به همین صورت رفتار می‌شود.

در طرح پیشنهادی پازیتو مانی، گذار از نظام بانکداری فعلی به بانکداری ذخیره کامل می‌تواند با یک تغییر شبانه (به صورت دفعی) صورت گیرد. جکسون و دایسون (۲۰۱۲) طرح پیشنهادی کوری (۱۹۳۴) را اتخاذ کردند که در آن، سپرده‌های دیداری در ترازنامه بانک‌ها با یک «تعهد تبدیل»^۵ جایگزین می‌شود و بانک‌ها باید در یک دوره زمانی ده تا بیست سال، آن را به بانک مرکزی بازپرداخت کنند. هدف تعهد تبدیل،

1. positive money
2. Jackson & dyson
3. Kolehmainen

۴. منظور نگارنده این اثر یعنی آقای لاینا است (مترجم).

5. conversion liability



بازگرداندن درآمد حق الضرب ناشی از سپرده‌های صادر شده قبلی بانک، به دولت می‌باشد. بنابراین طرح پیشنهادی آن‌ها، با طرح قبلی هویر و رابرتسون (۲۰۰۰) در یک راستا قرار می‌گیرد.

در سیستم جکسون و دایسون (۲۰۱۲) دو نوع حساب بانکی می‌تواند وجود داشته باشد. حساب‌های جاری که «حساب‌های مبادلاتی»^۱ نامیده می‌شوند و حساب‌های پس انداز که «حساب‌های سرمایه‌گذاری»^۲ نامیده می‌شود. هیچ پولی در حساب‌های پس انداز نگهداری نمی‌شود، چرا که پول از حساب‌های جاری عاملان اقتصادی، به صندوق سرمایه^۳ بانک که حساب جاری بانک برای اعطای وام است، منتقل می‌شود. بنابراین حساب‌های پس انداز، تعهد بانک‌ها به پرداخت پول بعد از یک دوره زمانی مشخص هستند. جکسون و دایسون (۲۰۱۲) به عنوان یک الزام فراگیر^۴، پیشنهاد می‌کنند که هر بانک باید قادر باشد مجموع موجودی حساب‌های جاری خود را در هر زمان پرداخت نماید. این الزام می‌تواند به طور موثری از هرگونه خلق پول توسط بانک‌ها جلوگیری کند.

جکسون و دایسون (۲۰۱۲) به منظور جلوگیری از سوء استفاده سیاسی، پیشنهاد می‌کنند که یک نهاد مستقل درباره مقدار پولی که باید خلق شود تصمیم بگیرد. پول تازه خلق شده (از بین رفته) می‌تواند به سادگی به بودجه دولت اضافه (کاسته) شود و متعاقباً یک نهاد سیاسی مثل پارلمان می‌تواند درباره نحوه استفاده از (جمع‌آوری) پول تازه خلق شده (از بین رفته) تصمیم بگیرد. اصولاً چهار راه متفاوت (برای مصرف پول خلق شده جدید) وجود دارد: افزایش مخارج دولت، کاهش مالیات‌ها، پرداخت مستقیم به شهروندان یا پرداخت بدهی‌های ملی. علاوه بر این جهت جلوگیری از بحران اعتباری^۵، پول جدید می‌تواند در برخی شرایط، از طریق وام دهی به بانک‌ها

1. transaction accounts
2. investment accounts
3. investment pool
4. catch-all requirement
5. credit crunch



خلق شود، به مشروط بر اینکه بانک‌ها آن را دوباره به اقتصاد واقعی وام بدهند. هدف سیاست پولی تأثیری نخواهد پذیرفت، مگر اینکه تصمیم دیگری گرفته شود، یعنی نهاد مستقل مسئول خلق پول، نرخ تورم را هدفگذاری کند.

در مقاله وولف (۲۰۱۴.آ)، علاوه بر حمایت از طرح پیشنهادی بانکداری ذخیره کامل مؤسسه پازیتو مانی، مارتین وولف همچنین طرح پیشنهادی خود را ارائه می‌کند. طرح پیشنهادی وولف (۲۰۱۴.ب) شباهت زیادی به طرح پیشنهادی پول حاکمیتی پازیتو مانی دارد، با این تفاوت که الزامات سرمایه را به شدت افزایش داده است.

هرمان دالی^۱ (۲۰۱۳) بحث‌های فردریک سادی (۱۹۲۶؛ ۱۹۳۴) و لاکلین کوری (۱۹۳۴؛ ۲۰۰۴) را دنبال می‌کند. او بانکداری ذخیره کامل را با این استدلال که خدمات بهتری به یک اقتصاد بدون رشد یا با رشد منفی^۲ ارائه می‌کند، توجیه می‌نماید. به علاوه او استدلال می‌کند که درآمد حق‌الضرب به طور کامل باید به دولت برسد. در نسخه بانکداری ذخیره کامل پول حاکمیتی او، سیاست پولی باید در معرض تصمیم‌گیری پارلمان بوده و مستقل نباشد. فارلی^۳ و همکاران (۲۰۱۳) توجیه بانکداری ذخیره کامل از منظر اقتصاد محیطی را ادامه دادند.

طرح پیشنهادی مایر^۴ (۲۰۱۳.آ) روی منطقه یورو تمرکز نمود و ترتیبات نهادی پیشنهادی اتحادیه بانکداری اروپا^۵ را به طور معکوس پیشنهاد نمود. «اتحادیه بانکداری اروپا» به معنای ایجاد «ساز و کار نظارتی واحد»^۶، «سازوکار حل و فصل واحد»^۷ و طرح «بیمه سپرده مشترک»^۸ برای منطقه یورو (و امکان پیوستن برای کشورهای غیر یورو^۹ حوزه اتحادیه اروپا) است. تاکنون فقط ساز و کار نظارتی واحد

1. Herman daly
2. de-growing economy
3. Farley
4. Mayer
5. EU banking union
6. single supervisory mechanism
7. single resolution mechanism
8. common deposit insurance
9. non-euro area EU states



محقق شده و بانک مرکزی اروپا، نظارت مالی بر بزرگترین بانک‌ها را از ناظران ملی در نوامبر ۲۰۱۴ گرفت. طرح سازوکار حل و فصل واحد که ممکن است نیازمند تغییرات پرزحمتی در پیمان نامه اتحادیه اروپا باشد، صرفاً در حال طراحی است. همچنین بیمه سپرده مشترک به آینده نامعلوم موکول شده است.

مایر (۲۰۱۳ آ) استدلال می‌کند که اتحادیه بانکداری اروپا، باید از بیمه سپرده مشترک شروع می‌شد، سپس سازوکار حل و فصل واحد و در نهایت ساز و کار نظارتی واحد به اجرا درمی‌آید. به جای اینکه دولت سپرده‌های بانکی را ضمانت کند، مایر پیشنهاد اتخاذ بانکداری ذخیره کامل را می‌دهد تا بیمه سپرده منسوخ شود. پس از آن طبق میر (۲۰۱۳ آ)، استقرار «سازوکار حل و فصل واحد» و «ساز و کار نظارتی واحد» می‌تواند آسان‌تر باشد و اتحادیه بانکداری اتحادیه اروپا می‌تواند عملکرد مناسب‌تری داشته باشد.

علاوه بر این مایر (۲۰۱۳ ب) هفت گزینه حسابداری را برای بانک مرکزی در خصوص اینکه چگونه پول جدید تحت شرایط بانکداری ذخیره کامل می‌تواند به گردش دربیاید فراهم می‌کند. برای مثال پول جدید می‌تواند با لحاظ نمودن حقوق صاحبان سهام (حساب سرمایه) منفی خلق شود. این بدان معنا است که هنگام انتشار پول، تنها طرف بدهی‌های ترازنامه بانک مرکزی تغییر می‌کند. چون بانک مرکزی نمی‌تواند ورشکست شود (ورشکستگی بانک مرکزی بی معنی است)، می‌تواند بدون مشکل با سرمایه منفی عمل کند.

ایده پول سپرده‌ای بعد از بحران مالی جهانی توسط گروئن^۱ (۲۰۱۴) با طرح پیشنهادی دقیق وی احیا شد. در لاینا (۲۰۱۵ آ) من طرح پیشنهادی مشابهی ارائه کردم که داشتن حساب‌های بانک مرکزی^۲ را برای همه عاملان اقتصادی در فنلاند

1. Gruen

۲. طبق گادلی و لویوی (Godley and Lavoie, 2006, p. 102) در برخی کشورها افراد اجازه دارند سپرده‌ها را در بانک مرکزی نگه‌داری کنند یعنی پول سپرده‌ای دارند.



امکان پذیر می کند.

همچنین بانکداری محدود اخیراً به عنوان یک راه حل توسط دی گراو^۱ (۲۰۰۸)، کای^۲ (۲۰۰۹)، فیلیس و روزلی^۳ (۲۰۰۹) پیشنهاد شده است. در طرح پیشنهادی دی گراو (۲۰۰۸) بانک‌های محدود از سرمایه گذاری در سهام، مشتقات مالی و محصولات با ساختار پیچیده^۴ منع شده‌اند. با این حال او دارایی معتبری را برای پشتیبانی سپرده‌ها به صراحت مشخص نکرده است. فیلیس و روزلی (۲۰۰۹) اوراق بهادار دولتی را -علاوه بر ذخایر بانک مرکزی- به عنوان دارایی‌های برقرار کننده تعادل ترازنامه (برای پشتیبانی از سپرده‌ها)، پذیرفته‌اند. دی گراو (۲۰۰۸) توصیه می‌کند که عدم تطابق سررسید برای هیچ موسسه مالی غیر از بانک‌های محدود اجازه داده نشود (یعنی متوسط سررسید تعهدات سایر مؤسسات مالی باید برابر با متوسط سررسید دارایی‌های آنها باشد). طبق دی گراو (۲۰۰۸) اگر تنها تعداد معدودی از کشورها بانکداری محدود را اجرا کنند، بانک‌های این کشورها به لحاظ رقابتی در موضع ضعف قرار می‌گیرند. لذا دی گراو (۲۰۰۸) هماهنگی بین‌المللی به منظور جلوگیری از سیکل منفی در مقررات گذاری^۵ را لازم می‌داند.

کاتلیکف^۶ (۲۰۱۰) از سویی دیگر، بانکداری با هدف محدود را پیشنهاد می‌دهد، نوعی از بانکداری ذخیره کامل که هر استخر (صندوق) سرمایه‌گذاری ساخته شده توسط بانک‌ها را به صندوق‌های سرمایه‌گذاری دوطرفه^۷ تبدیل می‌کند. این بدان معنا است که عدم تطابق سررسید بین دارایی‌های بانک و تعهداتش نمی‌تواند وجود داشته باشد. به بیان دیگر بانک‌ها به هیچ وجه اهرمی^۸ نیستند و واسطه محض بین

1. DeGrauwe
2. Kay
3. Rosseli
4. complex structured
5. regulatory race-to-thebottom
6. Kotlikoff
7. mutual fund
8. leveraged



قرض دهندگان و وام گیرندگان خواهند بود. کاتلیکف (۲۰۱۰) اذعان می‌کند که این می‌تواند به تحرک جمعی غیرعقلایی^۱ منجر شود (ناپایداری مالی)، اما او استدلال می‌کند که ریسک‌ها و پاداش‌ها^۲ بهتر تراز می‌شوند. بانک‌ها به این دلیل که ساختار اهرمی ندارند، ورشکست نمی‌شوند. ضرر و زیان توسط سرمایه‌گذاران جذب می‌شود. همچنین رئیس سابق بانک مرکزی انگلستان، مروین کینگ^۳ (۲۰۱۰) بانکداری ذخیره کامل را مورد بحث قرار داده و حمایتی محتاطانه از آن می‌کند، خصوصاً در مورد نسخه کاتلیکف.

همچنین کوکران^۴ (۲۰۱۴) در حمایت از بانکداری با هدف محدود بحث می‌کند. از آنجا که سپرده‌ها، تعهدات در معرض فرار^۵ بانک هستند، وی استدلال می‌کند که بانک‌ها باید دارای پشتوانه حقوق صاحبان سهام ۱۰۰٪ باشند. طبق کوکران (۲۰۱۴)، در حال حاضر تکنولوژی لازم برای فروش دارایی‌ها (مثل سهام) و بدست آوردن فوری پول دارای پشتوانه، در دسترس همه قرار دارد. کوکران (۲۰۱۴) الزامات سرمایه را مقررات ناکارآمدی می‌داند و به جای آن، پیشنهاد مالیات‌ستانی از بدهی‌های کوتاه مدت بانکی (مثلاً حساب‌های جاری) را می‌دهد، تا مشخص شود که آیا تعهدات در معرض فرار بانک، واقعاً ارزش نگهداری دارند؟ علاوه بر این کوکران (۲۰۱۴) استدلال می‌کند که بانک مرکزی هنگام انتشار ذخایر، باید همه را به عنوان شرکای^۶ خود به حساب بیاورد.

۲-۶. قانون گذاری و جنبش‌های مدنی

بعد از نماینده جری وورهیس که توسط ریچارد نیکسون در انتخابات ۱۹۴۶ شکست خورد، هیچ اقدام قانونی برای اجرای بانکداری ذخیره کامل در ایالات متحده تا زمان

1. irrational collective exuberance
2. risks and rewards
3. mervyn king
4. Chocrane
5. run- prone liabilities
6. counterparties



بحران مالی جهانی بوجود نیامد. با این حال در سال ۲۰۱۱ نماینده دنیس کوکینچ^۱ طرح H.R.2990 «قانون دفاع از اشتغال اضطراری ملی»^۲ (قانون NEED) را برای اجرای بانکداری ذخیره کامل در ایالات متحده، ارائه نمود. پیش‌نویس این طرح به عنوان «قانون پولی آمریکایی»^۳ شناخته می‌شد. البته این طرح به تصویب نرسید. در سال ۲۰۱۰ در انگلستان یک عضو پارلمان، داگلاس کارسول^۴ یک لایحه کوتاه ارائه کرد - «خدمات مالی (مقررات سپرده‌ها و وام‌دهی)»^۵ - که بانکداری ذخیره کامل را در بریتانیا اجرایی می‌نمود. جای تعجب نیست که این لایحه تصویب نشد. مؤسسه پازیتو مانی (۲۰۱۳) پیش‌نویس یک لایحه حاوی جزئیات زیاد را برای اجرای بانکداری ذخیره کامل در بریتانیا تهیه نمود، اما این لایحه هنوز به پارلمان ارائه نشده است. با این وجود پارلمان بریتانیا برای اولین بار در ۱۷۰ سال گذشته، در ۲۰ نوامبر ۲۰۱۴ حول موضوع خلق پول مباحثه‌ای برگزار نمود. این مباحثه «خلق پول و جامعه» نامگذاری شده بود. اگرچه این مباحثه هیچ رأی‌گیری برای قانونگذاری در پی نداشت، اما یقیناً آگاهی اعضای پارلمان بریتانیا نسبت به نظام پولی و نظام‌های بدیل را ارتقا داد. در سال جاری حزب سبز بریتانیا^۶ (۲۰۱۵) بانکداری ذخیره کامل را در دستورکار سیاسی خود در مانیفست عمومی انتخاباتشان قرارداد. ایسلند در حال تأمل بر روی چگونگی پیاده‌سازی ایده بانکداری ذخیره کامل در عمل می‌باشد. نخست وزیر ایسلند، سیماندر دیوید گانلاگسون^۷، گزارش نوشته شده توسط فروستی سیگرگانسون^۸ (۲۰۱۵) را در دستور کار کمیسیون قرار داد. این گزارش، شانس تبدیل شدن به قانون را دارد که در آن صورت می‌تواند بانکداری ذخیره

1. Dennis kucinich
2. national emergency Employment defence act
3. American Monetary Act
4. Douglas carswell
5. Regulation of Deposits and Lending
6. Green Party UK
7. Sigmaunder David Gunnlaugsson
8. Frosti Sigurjonsson



کامل را در ایسلند اجرایی کند.

گزارش سیگر جانسون (۲۰۱۵) بسیار شبیه به طرح پیشنهادی جکسون و دایسون (۲۰۱۲) است اما حاوی اعداد و ارقام دقیق‌تری است. برای مثال سیگر جانسون (۲۰۱۵) یک سررسید یا دوره اخطار حداقل ۴۵ روزه برای سپرده‌های مدت‌دار پیشنهاد می‌دهد. او همچنین پیشنهاد قراردادن یک نرخ بهره بر روی تعهد تبدیل^۱ به میزان میانگین نرخ بهره سپرده‌های دیداری به منظور جلوگیری از بهتر یا بدتر شدن وضعیت بانک‌ها نسبت به نظام فعلی می‌دهد.

در سراسر جهان، تعدادی از احزاب سیاسی، سازمان‌های مردم‌نهاد^۲ و جنبش‌های مدنی وجود دارند که خواستار بانکداری ذخیره کامل هستند. اصلاح پول به گونه‌ای که مطابق اصل بانکداری ذخیره کامل عمل کند، یکی از اهداف اصلی احزاب سیاسی ذیل هست: حزب سبز (بریتانیا)، حزب اصلاح پول^۳ (بریتانیا)، حزب عمل کانادایی^۴ (کانادا)، حزب اقتصاد انسانی^۵ (آلمان)، حزب بدیل^۶ (دانمارک) و حزب دموکرات‌ها برای اعتبار اجتماعی^۷ (نیوزیلند). در سوئیس جنبش پول کامل^۸ (جنبش پول حاکمیتی) در حال آماده‌سازی یک همه‌پرسی برای انتخاب بانکداری ذخیره کامل است.

جنبش بین‌المللی برای اصلاح پولی^۹، یک سازمان پوشش‌دهنده برای NGO های ملی و جنبش‌های مدنی است که در حال ترویج ایده بانکداری ذخیره کامل هستند. علاوه بر «پازیتو مانی» در بریتانیا، NGO های ملی و جنبش‌های مدنی زیادی وجود دارند که از بانکداری ذخیره کامل حمایت می‌کنند، برای مثال موسسه پولی

1. conversion liability
2. NGO
3. Money Reform Party
4. Canadian Action Party
5. Humanwirtschaftspartei
6. Alternativet
7. Democrats for social credit
8. volgeld-intitative
9. international movment for monetary reform
10. American Monetary Institute



(آمریکا)، پول مترقی^۱ (کانادا)، پول محسوس^۲ (ایرلند)، پول عادلانه^۳ (استرالیا)، پول خوب^۴ (نیوزیلند)، مانتاتیو^۵ (آلمان)، مومو^۶ (سوئیس)، پول ما^۷ (هلند)، پول راستین^۸ (فرانسه)، پول خوب^۹ (ایتالیا)، پول خوب^{۱۰} (اسپانیا)، پول خوب^{۱۱} (پرتغال)، پول عادلانه^{۱۲} (پورتوریکو)، پوزیتیوا پنگار (سوئد)، گود پنگ (دانمارک)، بترا پنینگاکرفی (ایسلند) و سومن تالوسدموکراسیا (فنلاند).

۳-۶. مدلسازی آکادمیک

اگرچه در سال‌های اخیر محبوبیت بانکداری ذخیره کامل احیا شده است، تاکنون مدلسازی‌های اندک و با روش‌های متفاوتی از آن انجام شده است. در واقع بانکداری ذخیره کامل هرگز به صورت رسمی تا زمان بحران مالی، مدلسازی نشده بود. پس از بحران مالی، بانکداری ذخیره کامل در قالب تعادل عمومی تصادفی پویا^{۱۳} (DSGE)، در چارچوب مدلسازی سیستم دینامیک^{۱۴}، در چارچوب ضریب فزاینده پویا^{۱۵} و در قالب مدل سازگار انباشت-جریان^{۱۶} مدلسازی شده است. صرف نظر از روش‌های مختلف مدلسازی، بر اساس نتایج این مدل‌ها، به نظر می‌رسد که عواید ناشی از اتخاذ بانکداری ذخیره کامل به طور گسترده‌ای مثبت است. در ادامه، مرور مختصری بر نتایج این مدلسازی‌ها خواهیم داشت.

1. Progressive Money
2. Sensible Money
3. Fair Money
4. Positive Money NZ
5. Monetative
6. MoMo
7. ons geld
8. Monnaie Honnête
9. Moneta Positiva
10. Dinero Positivo
11. Boa Moeda
12. Dinero Justo
13. Dynamic stochastic general equilibrium
14. Dynamic system framework
15. Dynamic multiplier framework
16. Stock-flow consistent



بنز و کامهوف^۱ (۲۰۱۲) مطالعه خود را در صندوق بین‌المللی پول انجام دادند و از روش‌شناسی اقتصادی نئوکلاسیک -مدل‌سازی DSGE- استفاده نمودند تا به نتایجی برسند که اروینگ فیشر (۱۹۳۵) تقریباً هشت دهه پیش از آن بیان کرده بود. بر طبق بنز و کامهوف (۲۰۱۲) بانکداری ذخیره کامل می‌تواند:

- ۱) کنترل بهتری روی عرضه پول و اعتبار بانک‌ها فراهم کند، که یک منبع اصلی نوسانات چرخه‌های تجاری هستند؛
- ۲) ورشکستگی بانک‌ها در اثر هجوم مردم را از بین ببرد؛
- ۳) بدهی عمومی را کاهش دهد؛
- ۴) بدهی خصوصی را کاهش دهد.

علاوه بر این‌ها دریافتند که تولید می‌تواند تا حدود ده درصد افزایش یابد و تورم می‌تواند تا صفر کاهش داده شود، بدون اینکه هیچ مشکلی ایجاد شود. بنز و کامهوف (۲۰۱۳) اصلاحاتی در مقاله خود اعمال کردند اما نتایج بدون تغییر باقی ماند.

یاماگوچی^۲ (۲۰۱۰) با استفاده از رویکرد پویایی‌های سیستم حسابداری^۳، قانون NEED را مدل کرد و بعداً این مدلسازی را در یاماگوچی (۲۰۱۱؛ ۲۰۱۴) اصلاح نمود. یاماگوچی (۲۰۱۰؛ ۲۰۱۱؛ ۲۰۱۴) دریافت که بر خلاف سیستم پولی فعلی، تحت نظام بانکداری ذخیره کامل، بدهی‌های دولت می‌تواند بدون منجر شدن به رکود، بیکاری یا تورم تسویه و نقد شود.

فلچل^۴ و همکاران (۲۰۱۰) و بعداً چیارلا^۵ و همکاران (۲۰۱۱) در چارچوب ضریب فزاینده پویا نشان دادند که بانکداری ذخیره کامل فضای مالی را باثبات‌تر از سیستم بانکی فعلی مبتنی بر ذخایر جزئی - حتی اگر سیاست پولی مناسب اتخاذ گردد - می‌کند. به علاوه، آن‌ها نشان دادند که تحت شرایط بانکداری ذخیره کامل

1. Benes & kumhof
 2. Yamaguchi
 3. accounting system dynamics approach
 4. Flaschel
 5. chiarella



عرضه وام کافی می‌تواند تضمین شود (و هجوم مردم به بانک رخ ندهد، که البته واضح است، چرا که منطق بانکداری ذخیره کامل هجوم مردم به بانک را منتفی می‌کند). جدیداً در لاینا (۲۰۱۵.ب) من بانکداری ذخیره کامل را در چارچوب مدل SFC که توسط گادلی و لایوا^۱ (۲۰۰۶) عمومیت داده شد، مدل کردم. من دریافتم که بانکداری ذخیره کامل می‌تواند با رشد اقتصادی صفر تطبیق یابد و اشتغال کامل و تورم صفر را فراهم کند. به علاوه بانکداری ذخیره کامل موجب بحران اعتباری یا بی‌ثباتی زیاد نرخ‌های بهره نمی‌شود. جای تعجب نیست خلق پول از طریق مخارج دولت منجر به افزایش موقت در تولید ناخالص داخلی حقیقی و تورم می‌شود. نتیجه عجیب‌تر آن است که خلق پول می‌تواند منجر به کاهش دائمی در مجموع بدهی‌های دولت شود.

تا به حال تلاش‌های کمی برای مدلسازی بانکداری ذخیره کامل صورت گرفته است که البته آنها هم به تازگی انجام شده است. به نظر می‌رسد نتایج روش‌های گوناگون مدلسازی، امیدواری ابتدایی، حداقل برای طرفداران بانکداری ذخیره کامل ایجاد می‌کند. با این حال، برای نتیجه‌گیری کلی‌تر، مدلسازی‌های بیشتر مورد نیاز است.

جمع‌بندی

این گزارش تصویری جامع از طرح‌های بانکداری ذخیره کامل متأخر و معاصر فراهم می‌کند. پیشنهاد بانکداری ذخیره کامل ابتدا توسط دیوید ریکاردو در سال ۱۸۲۳ ارائه شد. طرح پیشنهادی ریکاردو به عنوان یک راهنما برای «قانون امتیاز بانکی» به کار رفت که در ۱۸۴۴، بانکداری ذخیره کامل را در بریتانیا اجرایی کرد. دو دهه بعد بانکداری ذخیره کامل در ایالات متحده هم اجرایی شده بود. با این حال سپرده‌های بانکی آرام آرام جای اسکناس‌های بانکی با پشتوانه پول دولتی را گرفت. از آن زمان تاکنون، سپرده‌های بانکی ابزار غالب پرداخت باقی مانده است.

طرح‌های پیشنهادی بانکداری ذخیره کامل به طور خاص بعد از بحران‌های مالی



برجسته، به خصوص «رکود بزرگ» و «بحران مالی جهانی» محبوب شده‌اند، که هر دو تعدادی از پیشنهادات برای بانکداری ذخیره کامل را برانگیخت. بسیاری از اقتصاددانان برجسته مثل اروینگ فیشر، میلتون فریدمن، هرمن دالی و جیمز توبین، از حامیان بانکداری ذخیره کامل بوده‌اند. یکی از طرح‌های پیشنهادی جدید توسط مارتین وولف تحلیلگر ارشد اقتصادی فاینانشیال تایمز ارائه شده است.

منابع و مأخذ

1. Allen, W. (1977) 'Irving Fisher, F.D.R., and the Great Depression', *History of Political Economy* 9, pp. 560-587.
2. Angell, J. (1935) 'The 100 Per Cent Reserve Plan', *Quarterly Journal of Economics* 50, pp. 1-35.
3. Benes, J. & Kumhof, M. (2012) 'The Chicago Plan Revisited', IMF Working Paper No. 12/202.
4. Benes, J. & Kumhof, M. (2013) 'The Chicago Plan Revisited', Revised Draft, 12 February.
5. Chiarella, C. & Flaschel, P. & Hartmann, F. & Proaño, C. (2011) 'Stock Market Booms, Endogenous Credit Creation and the Implications of Broad and Narrow Banking for Macroeconomic Stability', New School for Social Research, Working Paper No. 7/2011.
6. Cochrane, J. (2014) 'Toward a run-free financial system', Working Paper, available at: http://faculty.chicagobooth.edu/john.cochrane/research/papers/run_free.pdf, Accessed 7
7. September 2015.
8. Currie, L. (2004) 'The 100 percent reserve plan: August 12, 1938', *Journal of Economic Studies* 31 (3-4), pp. 355-365.
9. Currie, L. (1934) 'A Proposed Revision of the Monetary System of the United States' in *The Supply and Control of Money in the United States*. Cambridge, MA: Harvard University Press [Reprinted in 1968 by Russell and Russell, New York].
10. Daly, H. (2013) 'Nationalize money, not banks', available at:



- <http://steadystate.org/nationalize-money-not-banks> [Accessed 7 September 2015].
11. Daly, H. (1980) 'The economic thought of Frederick Soddy', *History of Political Economy* 12 (4), pp. 469-488.
 12. DeGrauwe, P. (2008) 'Returning to Narrow Banking', CEPS Commentary, 14 November.
 13. Doak, E. (1988) 'Islamic Interest-Free Banking and 100 Percent Money: Comment', *IMF Staff Papers* 35 (3), pp. 534-536.
 14. Douglas, P. (1935) *Controlling Depressions*. New York, NY: W.W. Norton and Co. *Economic Thought* 4.2: 1-19, 2015.
 15. Douglas, P. & Fisher, I. & Graham, F. & Hamilton, E. & King, W. & Whittlesey, C. (1939) 'A Program for Monetary Reform. Unpublished Paper, July.
 16. Dow, S. & Johnsen, G. & Montagnoli, A. (2015) 'A critique of full reserve banking', *Sheffield Economic Research Paper No. 2015008*, March.
 17. Dyson, B. & Greenham, T. & Ryan-Collins, J. & Werner, R. (2011) 'Towards a Twenty-First Century Banking and Monetary System: Submission to the Independent Commission on Banking', Centre for Banking, Finance and Sustainable Development at the University of Southampton, New Economics Foundation and Positive Money.
 18. Farley, J. & Burke, M. & Flomenhoft, G. & Kelly, B. & Murray, D. F. & Posner, S. & Putnam, M. & Scanlan, A. & Witham, A. (2013) 'Monetary and Fiscal Policies for a Finite Planet', *Sustainability* 5 (6), pp. 2802-2826.
 19. Ferguson, T. (1993) 'Business World: Getty Thinks There's a Buck in Mutual Funds', *Wall Street Journal*, 2 March, A17.
 20. Fisher, I. (1935) *100% Money*. New York, NY: Adelphi Company.
 21. Flaschel, P. & Hartmann, F. & Malikane, C. & Semmler, W. (2010) 'Broad Banking, Financial Markets and the Return of the Narrow Banking Idea', *Journal of Economic Asymmetries* 7 (2), pp. 105-137.
 22. Fontana, G. & Sawyer, M. (2015) 'Full Reserve Banking: More "cranks" than "brave heretics"', University of Leeds, Unpublished Draft, June.
 23. Friedman, M. (1948) 'A Monetary and Fiscal Framework for



- Economic Stability', *American Economic Review* 38 (3), pp. 245-264.
24. Friedman, M. (1960) *A Program for Monetary Stability*. New York, NY: Fordham University Press.
 25. Friedman, M. (1969) *The Optimum Quantity of Money and other Essays*. Chicago: Aldine.
 26. Godley, W. & Lavoie, M. (2006) *Monetary Economics: An Integrated Approach to Credit, Money, Income, Production and Wealth*. Basingstoke: Palgrave Macmillan.
 27. Goodhart, C. (1987) 'Why Do Banks Need a Central Bank?', *Oxford Economic Papers* 39 (1), pp. 75-89.
 28. Goodhart, C. (1993) 'Can we improve the structure of financial systems?', *European Economic Review* 37 (2-3), pp. 269-291.
 29. Graham, F. (1936) 'Partial Reserve Money and the 100 Per Cent Proposal', *American Economic Review* 26 (September), pp. 428-440.
 31. Green Party UK (2015) 'For the Common Good: General Election Manifesto 2015', Green Party of England and Wales.
 32. Gruen, N. (2014) *Central Banking for All: A Modest Proposal for Radical Change*. London: Nesta.
 33. Hart, A. (1935) 'The "Chicago Plan" for Banking Reform', *Review of Economic Studies*, February, pp. 104-116.
 34. Hayek, F. (1937) *Monetary Nationalism and International Stability*. London: Longman.
 35. Higgins, B. (1941) 'Comments on 100 % Money', *American Economic Review* 31 (March), pp. 91-96.
 36. Hotson, J. (1985) 'Ending the Debt-Money System', *Challenge*, March-April, pp. 48-50.
 37. Huerta de Soto, J. (2009) *Money, Bank Credit, and Economic Cycles*. Second Edition. Translated by Stroup, Melinda. Auburn, Alabama: Ludwig von Mises Institute. *Economic Thought* 4.2: 1-19, 2015.
 38. Huber, J. & Robertson, J. (2000) *Creating New Money: A Monetary Reform for the Information Age*. London: New Economics Foundation.
 39. Jackson, A. & Dyson, B. (2012) *Modernising Money: Why Our Monetary System is Broken and How It Can Be Fixed*.



- London: Positive Money.
40. Jessup, P.I & Bochnak, M. (1992) 'A Case for a U.S. Postal Savings System', Challenge 35, pp. 57-60.
 41. Kareken, J. (1986) 'Federal Bank Regulatory Policy: A Description and Some Observations', Journal of Business 59, pp. 3-48.
 42. Kay, J. (2009) 'Narrow Banking: The Reform of Banking Regulation', CSFI Report, 15 September.
 43. Khan, M. (1986) 'Islamic Interest Free Banking', IMF Staff Papers 33 (March), pp. 1-27.
 44. Khan, M. & Mirakhor, A. (1985) 'The Financial System and Monetary Policy in an Islamic Economy', IMF, Departmental Memoranda Series, 18 November.
 45. King, M. (2010) 'Banking: From Bagehot to Basel, and Back Again', Speech at Buttonwood Gathering, New York City, 25 October.
 46. Kolehmainen, M. & Meilahti, T. & Kavonius, T. & Lainà, P. (2013). 'Täyttä rahaa: ehdotus rahatalousjärjestelmän vakauttamiseksi', Economic Democracy Finland Publication No. 4, October.
 47. Kotlikoff, L. (2010) Jimmy Stuart Is Dead: Ending the World's Ongoing Financial Plague with Limited Purpose Banking. Hoboken, NJ: John Wiley & Sons.
 48. Knight, F. & Cox, G. & Director, A. & Douglas, P. & Hart, A. & Mints, L. & Schultz, H. & Simons, H. (1933) 'Memorandum on Banking Reform', Franklin D. Roosevelt Presidential Library, President's Personal File 431, March 1933. [Reproduced in Phillips, R. (1994) The Chicago Plan & New Deal Banking Reform. Armonk, NY: M.E. Sharpe, pp. 191-199.]
 49. Kregel, J. (2012) 'Minsky and the Narrow Banking Proposal: No Solution for Financial Reform', Levy Economics Institute of Bard College, Public Policy Brief No. 125.
 50. Lainà, P. (2015a) 'Keskuspankkitali kaikille', Left Forum Finland, Aloite No. 1/2015.
 51. Lainà, P. (2015b) 'Money Creation under Full-Reserve Banking: A Stock-Flow Consistent Model', Unpublished Draft, June.



52. Litan, R. (1987) *What Should Banks Do?* Washington, DC: Brookings Institution.
53. Mayer, T. (2013a) 'A Copernican Turn for Banking Union', CEPS Policy Brief No. 290.
54. Mayer, T. (2013b) 'How can Sovereign Money be brought into circulation? Accounting options for a central Bank', Translated by E. Dawnay, 8 February available at: <http://sovereignmoney.eu/papers-and-manuscripts/> [Accessed 7 September 2015].
55. McCallum, B. (1989) *Monetary Economics: Theory and Policy*. New York: Macmillan.
56. Means, G. (1933) 'Reorganization of the Banking System', Box 1, File: Banking Policy, The Papers of Gardiner C. Means, Franklin Roosevelt Library, Hyde Park, NY.
57. Mints, L. (1950) *Monetary Policy for a Competitive Society*. New York: McGraw-Hill.
58. Mises, L. von (1912) *Theorie des Geldes und der Umlaufmittel*. Munich and Leipzig: Duncker and Humblot. [Published in English in 1980 as *The Theory of Money and Credit*. Translated by H.E. Batson. Indianapolis, IN: Liberty Classics.]
59. O'Hara, M. & Easley, D. (1979) 'The Postal Savings System in the Depression', *Journal of Economic History* 39, pp. 741-753. *Economic Thought* 4.2: 1-19, 2015.
60. Phillips, R. (1994a) *The Chicago Plan & New Deal Banking Reform*. Armonk, NY: M.E. Sharpe.
61. Phillips, R. (1994b) 'Safe Banking During the Great Depression: John M. Nichols, the FDIC and 100% Reserves', *Consumer Finance Law Quarterly Report* 48 (1), pp. 15-21.
62. Phillips, R. & Roselli, A. (2009) 'How to Avoid the Next Taxpayer Bailout of the Financial System: The Narrow Banking Proposal', *Networks Financial Institute at Indiana State University*, Policy Brief No. 5.
63. Pollock, A. (1993) 'No Need to Reinvent the Wheel for a Community Reinvestment Bank', *American Banker*, 8 July.
64. Positive Money (2013) 'Bank of England (Creation of Currency) Bill', 12 April 2013, available at: <http://www.positivemoney.org/publications/draft-legislation/>



- [Accessed 7 September 2015].
65. Ricardo, D. (1824) 'Plan for the Establishment of a National Bank' reprinted in Ricardo, David (1951): *The Works and Correspondence of David Ricardo*. Volume 4: Pamphlets and Papers 1815-1823. Cambridge: Cambridge University Press.
 66. Rothbard, M. (1962) 'The Case for a 100-Percent Gold Dollar', in Yeager, Leland (ed.): *In Search of a Monetary Constitution*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
 67. Rowbotham, M. (1998) *The Grip of Death: A Study of Modern Money, Debt Slavery and Destructive Economics*. Charlbury, UK: Jon Carpenter.
 68. Sandilands, R. (2004) 'Editor's introduction: New light on Lauchlin Currie's monetary economics in the New Deal and beyond', *Journal of Economic Studies* 31 (3-4), pp. 170-193.
 69. Schemmann, M. (1991) *Money in Crisis*. Vancouver: Schemmann.
 70. Sigurjonsson, F. (2015) 'Monetary Reform: A Better Monetary System for Iceland', Report Commissioned by the Prime Minister of Iceland, March.
 71. Simons, H. (1948) *Economic Policy for a Free Society*. Chicago: University of Chicago Press.
 72. Simons, H. & Cox, G. & Director, A. & Douglas, P. & Hart, A. & Knight, F. & Mints, L. & Schultz, H. (1933) 'Banking and currency reform', Manuscript. [Reprinted in Samuels, Warren (ed.) (1990) *Research in the History of Economic Thought and Methodology*. Archival Supplement, Volume 4. Greenwich, CT: JAI Press.]
 73. Soddy, F. (1926) *Wealth, Virtual Wealth and Debt: The Solution of the Economic Paradox*. London: George Allen & Unwin.
 74. Soddy, F. (1934) *The Role of Money*. London: George Routledge and Sons.
 75. Spong, K. (1996) 'Narrow Banks: An Alternative Approach to Banking Reform', in Papadimitriou, Dimitri (ed.): *Stability in the Financial System*. New York: Macmillan.
 76. Tobin, J. (1985) 'Financial Innovation and Deregulation in Perspective', *Bank of Japan Monetary and Economic Studies* 3 (2), pp. 19-29.



77. Tobin, J. (1987) 'The Case for Preserving Regulatory Distinctions', in Federal Reserve Bank of Kansas City (ed.): Restructuring the Financial System. Kansas City: Federal Reserve Bank of Kansas City, pp. 167-183.
78. Watkins, L. (1938) Commercial Banking Reform in the United States. Ann Arbor, MI: University of Michigan Press.
79. White, E. (1983) The Regulation and Reform of the American Banking System, 1900-1929. Princeton: Princeton University Press.
80. Whittlesey, C. (1935) Banking and the New Deal. Public Policy Pamphlet No. 16. Chicago: University of Chicago Press.
81. Wolf, M. (2014a) 'Strip private banks of their power to create money', Financial Times, 24 April.
82. Wolf, M. (2014b) The Shifts and the Shocks: What We've Learned – and Have Still to Learn –from the Financial Crisis. London: Penguin Books.
83. Yamaguchi, K. (2010) 'On the Liquidation of Government Debt under a Debt-Free Money System: Modelling the American Monetary Act', Paper Presented at the 28th International Conference of the System Dynamics Society in Seoul, Korea, 26 July.
84. Yamaguchi, K. (2011) 'Workings of a Public Money System of Open Macroeconomies: Modelling the American Monetary Act Completed', Paper Presented at the 7th Annual AMI Monetary Reform Conference in Chicago, USA, 30 September.
85. Yamaguchi, K. (2014) Money and Macroeconomic Dynamics: Accounting System Dynamics Approach. Second Edition. Awaji Island, Japan: Japan Futures Research Center.